



فرهنگراه ۴

نشریه تخصصی
دانشجویی دانشگاه فرهنگیان شهر تهران



شناسنامه اثر:

صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی

مدیر مسئول نشریه: علی قلعه نویی

سردبیرهای سرویس ها: محمدحسین جوادی، زهرا شریف دینی،

فاطمه اسدیگی، فاطمه باقری بهادر، مبینا توکلی، هانیه علی قارداشی

واحد رسانه: فاطمه نجاری

واحد ویراستاری: حدیثه صفاری

طراح جلد و صفحه آرا: لیلا محمدیان

فرهنگراه

فهرست

❶ سیاسی

❶ دست گل جناب معاون

❷ بازی با سند تحول

❷ شهدا و تربیت

❸ مشق عشق در طریقت معلمی

❸ اجتماعی

❹ من از مدرسه متنفرم!...

❺ یکبار امتحان کن!

❻ بحران هویت؛ ماحصل فضای مجازی

❼ عشق به وطن ضروری است نه اتفاقی

❽ تحول کلامی نیست!

❾ دلایل انزوای اجتماعی نوجوان و دانش آموز

❸ بین الملل

❿ معلمان راضی اند!

⓫ پول زیاد ضمانت کننده کیفیت آموزشی

⓬ کاراکتر معلم در جمهوری ترکیه

⓭ مسئولیت پذیری حتی خارج از مدرسه

⓮ آموزش در آلمان؛ آموزش برای همه

⓯ فقر در جهان پایان می یابد!

❹ اقتصادی

⓰ پول نداریم!

⓱ مروری بر بودجه آموزش و پرورش

⓲ کسورات هیچ منطقی ندارند؛ مصاحبه با دانشجویان

⓳ سرمایه گذاری دولت ها در آموزش

⓴ ضعف همیشگی مدیریت بودجه

❺ حرف دانشجو

⓵ بحث دغدغه شد بحث جهاد تبیین شد

⓶ نگاهی نو به جذب در تربیت معلم

سیاسی

دسته گل جناب معاون...

معاون وزیر آپ در مصاحبه ای گفت:

چندین روش برای جبران کمبود معلم داریم، یکی از این روش ها استفاده از بازنشسته های دارای رتبه ۳ به بالا میباشد.

چندین ابهام در این سخن وجود دارد:

۱- آیا ماهیت رتبه بندی برای مقوله کلاسداری نوین قابل استناد است؟

۲- استفاده از نیروی بازنشسته تا چه زمانی؟؟!

۳- این اقدام مطابق پیشبرد سند تحول بنیادین است؟!

در باب ابهام مطرحه اول باید گفت ماهیت رتبه بندی معلمان غالبا دارای ایرادات بسیار زیادی است، صرف بارگزاری گواهی دوره های مجهول گذرانده شده و برخی گواهی های ضمن خدمت گویای تجربه نوین و مدیریت کلاس معلمان نمی باشد. حال اگر ماهیت ضعیف رتبه بندی را که مبحثی است جداگانه کنار بگذاریم و فرض را بر عدم ایرادات وارده بگذاریم، آیا این اقدام آموزش و پرورش کمبود معلم را در طولانی مدت حل خواهد کرد؟ قطعاً خیر؛ آموزش و پرورش به عنوان نهادهای تربیتی نیازمند برنامه ریزی های دقیق و بلند مدت می باشد. پنهان کردن صورت مسئله برای مقطعی کوتاه مشکلی را حل نخواهد کرد علاوه بر اینها با این اقدام که مورد نیاز برای سامان دادن به حال خراب مراکز فرهنگیان است برداشته می شود و بر روی نحوه فیلتر معلمان بازنشسته برای رفتن مجدد به کلاس درس گذاشته می شود. اکنون که آموزش و پرورش در حال گذار به سوی عمل در بالاترین سطح سند تحول بنیادین است، به جای آنکه برنامه های آموزش و پرورش متمرکز بر بازدهی بالای دانشگاه فرهنگیان و جذب مطلوب و حداکثری نیروی نوین و تازه نفس باشد تا پس از ۴ سال دوره تحصیلی جمعی از معلمان بتوانند وارد کالس درس شوند و کمبود ها را رفع نمایند؛ اما آموزش و پرورش گویا سهل الوصول ترین راه یعنی جذب مجدد بازنشستگان را در پیش گرفته است. اینگونه یا هرگز اهداف سند تحول بنیادین محقق نمی شود و یا شکاف عمیقی میان آرمان های سند تحول بنیادین و واقعیت به وجود خواهد آمد. اندکی برنامه ریزی و آینده نگری نیاز است...

● فاطمه طاهربخش

بازی با سند تحول...

حمید نیک‌زاد، مشاور وزیر آموزش و پرورش و دبیر ستاد همکاری های حوزه علمیه و آ.پ گفت: "این ستاد بر اساس رسالت خود و در راستای سند تحول بنیادین، استفاده حداکثری از ظرفیت حوزه های علمیه برای خدمت به آموزش و پرورش را مأموریت اصلی خود قرار داده تا از طریق تاسیس دانشگاه تربیت معلم حوزه بتواند به کمک دانشگاه فرهنگیان آمده و چالش کمبود معلم نیروی انسانی را مرتفع کند." در فصل هفتم "هدف های عملیاتی و راهکارها" در بخش چهارم راهکار های یک و دوم اشاره به استفاده از ظرفیت های حوزه های علمیه شده است، اما گویا مشاوران آموزش و پرورش به علت عدم مطالعه درست سند تحول بنیادین سوء برداشتی از اشارات سند تحول به حوزه های علمیه کرده اند که باعث چنین تصمیمی شده است. در **سند تحول بنیادین آموزش و پرورش** در هر دو بخش آمده است که: بهره گیری از ظرفیت حوزه های علمیه جهت نهادینه سازی فرهنگ ولایت مداری، امر به معروف و نهی از منکر، روحیه جهادی، بصیرت دینی و همچنین توانمند سازی مربیان و دانش آموزان در سطح مشارکت باشد؛ اما این دستور مشاور وزیر آ.پ به منزله ایجاد مراکز تربیت معلم جداگانه از دانشگاه فرهنگیان در یک حیطه خاص است، این در حالی است که اکنون میزان کیفیت ارائه **خدمات خوابگاهی، آموزشی و رفاهی** در اکثر مراکز دانشگاه فرهنگیان در سطح بسیار ضعیفی قرار دارد و تدبیر و توجهی نیز برای بالا بردن این ضعف انجام نمی گیرد. حال چگونه ممکن است دانشگاه های تربیت معلم حوزه تاسیس شود وقتی مراکز کنونی مملو از مشکلات زیرساختی و آموزشی هستند؟ فارغ

از مقوله تاسیس مراکز تربیت معلم حوزه و عدم توجه به مراکز فرهنگیان کنونی این سوال مطرح می شود که از نظر برنامه ریزان آموزش و پرورش پیشبرد وضع کنونی به وضع مطلوب ضرورت دارد یا ایجاد یک وضع موجود جدید؟ با توجه به چنین دستورات و پیشنهادهای بزرگترین مشکل آموزش و پرورش این است که مشاوران و مسئولان ستادهای آ.پ شناخت و تسلط حقیقی و کافی از سند تحول بنیادین و همچنین وضع موجود نهاد آ.پ و کشور نداشته و صرف این که در مقطع فعلی بتوانند کمبودی را فعال برطرف کنند بسنده می کنند این در حالی است که اولین فیلتر برای اتخاذ تصمیمات این نهاد مهم و اثرگذار باید آینده نگری و برنامه ریزی اصولی باید **حل ریشه ای** کمبود ها باشد...

● فاطمه طاهر بخش

شهدا و تربیت

مشق عشق در طریقت معلمی

معلم، خود اولین شاگرد خویش است

سرویس شهدا و تربیت به تبیین الگوی معلم در نقش شهید می پردازد.

طریقت معلمی، ره انسان سازی است و تعلیم و تربیت جایی مؤثر است که تعلیم دهنده، خود همانند شهدا تعلیم دیده و آماده باشد. حال از میان این هزاران شهید والا مقام، شهدایی بودند که پا در رکاب معلمی نهادند و اولین شاگرد آنها، خودشان بوده اند. آنها خوب درک کرده بودند پیش از آنکه معلم کلاس درس شوند، باید ابتدا معلم نفس خود باشند، از آن عبور کنند و خود را رشد دهند.

رمز خود سازی شهدا و مخصوصاً شهدای دانشجو و معلم این بود که به طور مرتب خود را تزکیه می نمودند و هرگز اجازه نمی دادند غبار و آلودگی وجودشان را تیره سازد.

● هانیه علی قارداشی

من از مدرسه متنفرم...!

شوق کودکانه ام به بیزاری تبدیل شد

۱۴ سال پیش، وقتی برای اولین بار به مدرسه رفتم را خوب به خاطر دارم. جزو آدم هایی بودم که برای انجام دادن کاری که دوستش دارم خواب شبم را بر هم بزنم. آن شب از هیجان خوابم نمی برد. دختری ریزه میزه که لباس های فرمش برایش گشاد بود؛ البته که نقشه ی مادر بود تا سال بعد هم همین لباس را دوباره بپوشم. کیف قرمز رنگی داشتم که با مغز کوچکم ت صمیمم گرفتم از سادگی درش بیاورم و برجسب سیندرلای بزرگی رویش چسباندم!

تا کلاس دوم در بستن بند های کفشم ناکام بودم پس کتونی های چسبی به پا می کردم. با شوق و هیجان فراوان، با قلبی که صدای تپش هایش گوش هایم را پرکرده بود؛ دست در دست مادر به سمت مدرسه قدم بر می داشتم. بچه ها گریه می کردند و به آغوش مادرشان پناه می بردند اما من با لبخند مادرم را می بوسیدم. تصور کودکانه ام این بود که دنیای بی نظیری پشت در های این مدرسه انتظارم را می کشد. دنیایی باب میل من، دنیای کودکانه و شاد... گذران و طی شدن یک به یک سال ها، آن شستور و هیجان کودکانه و آن ذوقی که در چشمانم نمایان بود را آرام آرام خاموش کرد.



چه حد عمیق و تاثیرگذار
هستند؟ اصلاً چه عواملی
دست به دست هم دادند
تا این روند نزولی
علاقه و انگیزه
دانش آموزان

طوری که برای به صدا درآمدن
زنگ مدرسه، دویدن به سمت
خانه، خروج از کلاس های
تصنعی، فرار از آدم هایی که
حتی حوصله ی خودشان را
هم ندارند لحظه شماری می
کردم و دائماً در جست و جو
دیدن رنگ قرمز در تقویم سال
تحصیلی بودم. انتظار زمستان
را می کشیدم و به آسمان
خیره می شدم و از خدا می
خواستم آنقدر برف ببارد که
فردا تعطیل شود؛ حتی
آلودگی هوا نیز نت
خوشحال می کرد. تمام
احساسات کودکانه ام در حال
معکوس شدن بود؛ کم کم
شور و ذوق داشت جای خود
را به بیزاری می داد.

به درس و
مدرسه ایجاد
شود؟ چه کسانی قاتلان
اصلی انگیزه بی شمار
دانش آموزان هستند؟ سهم
دانش آموزان از این اوضاع
ایجاد شده چقدر است؟

در دبیرستان بچه ها از عالم و
آدم گله داشتند و آنها را برای
معلم شان تعریف می کردند.
از معلمانی که فقط سوال می
دهند، مدیریتی که هیچ وقت
حامی آن ها نبود، معاونتی که
کیف هایشان را جلوی چشم
همه خالی می کند تا متهم
اصلی اش را بیابد، کلاس های
خشک، گرانی های بوفه،
کمک مدرسه های اجباری و...
خلاصه که عوامل زیادی
دست به دست هم داده
بودند تا تنفر و بیزاری از
مدرسه در دانش آموزان کلاس
ایجاد شود و چه بسا بار اولی
نبود که این حرف ها را به زبان
می آوردند. اما این عوامل تا

چیست. این مسئله زمانی
اتفاق می افتد که آنان از دنیای
کودکی و دوران چند ساله
ابتدایی خارج می شوند و کم
کم با استرس و نگرانی آینده
شغلی روبرو می شوند. اکنون
آن ها در پی اهداف خود
می گردند و در پی آینده
گمشده خود هستند. آینده ای
که هر چقدر به پایه بالاتر
می آیند این نیاز را بیشتر
احساس و زنگ خطر برایشان
بیشتر به صدا در می آید. در
چنین شرایطی که ترس از
آینده به سراغ آنان آمده است،
ترس از عدم موفقیت در
امتحانات پایانی هم ولوله به

پاسخ به تمامی این موارد تنها
در یک گزارش، مقدور نیست
زیرا هر یک از این موارد به
خودی خود، مسئله مهم و
عمیقی هستند که مستلزم
بررسی تمام ابعاد و جنبه های
آن است.
به جرئت می توان گفت
مهم ترین عاملی که در نظام
آموزشی اختلال ایجاد می کند
و انگیزه ی دانش آموزان را در
ادامه مسیر تحصیلی کم رنگ
می کند، گم کردن هدفشان
است. دانش آموزان از یک جا
به بعد دیگر نمی دانند برای چه
به مدرسه می آیند و هدفشان

جانشان می‌اندازد. گاهی شرایط زندگی و نداشتن برنامه غذایی مناسب مخصوصاً در مناطق روستایی و کم‌برخوردار اوضاع را برای آنان وخیم‌تر کرده و فهم آنان را نیز مختل می‌کند. در چنین شرایطی مشاهده افراد ناموفق در امر تحصیل و معاشرت با آنان می‌تواند آنها را تا مرز ترک تحصیل و ترک همیشه مدرسه بکشانند. این بی‌هدفی و سردرگمی آنان را مجاب می‌کند که بپرسند اصلاً این مدرسه چیست؟ چرا وقتم را با مدرسه هدر بدهم؟

به همین راحتی آموزش و پرورش به عنوان یک نهاد مسئول نتوانست از نیروی انسانی که وظیفه تربیت و پرورش آن را بر عهده داشت محافظت کند و به سردرگمی او پاسخی نداد. در نتیجه دانش‌آموزی که روزی با دنیایی از امید و انگیزه پا به مدرسه گذاشته بود؛ اکنون با ناامیدی مطلق حتی قادر به ترک آن است. در این فرایند عوامل مختلفی چون: خانواده، مدرسه، نظام آموزش و پرورش، اجتماع، محتوای کتاب درسی، معلم و حتی خود دانش‌آموز، موثر و دخیل هستند.

ان شاءالله در شماره‌های بعدی راجع به هر یک از موارد صحبت و راهکارهایی نیز ارائه خواهد شد. باشد که مدارس ما به گونه‌ای باشند که دانش‌آموزان نه از روی اجبار بلکه از روی علاقه قلبی پا به مدارس بگذارند و معلمان ما به گونه‌ای باشند که دانش‌آموزان را برای به مدرسه آمدن سر ذوق بیاورند. همانطور که محمد حسین نظیری نیشابوری گفته است:

درس معلم را بود ز مرمره محبتی
جمعه به مکتب آورد طفل کر نریای را

یکبار امتحان کن!

راه حل تمام مشکلات اینجاست

سرویس اجتماعی فرهنگراه به دنبال کشف دلایل انحراف مانند استفاده از سیگار در نوجوانان رفته و به بررسی تاثیرات منفی بر فرد می پردازد.

یکی از مهم ترین نگرانی های والدین، گرایش فرزندان شان به سیگار است که غالباً گروه سنی نوجوان به سمت آن کشیده می شوند. اما علت اصلی این اتفاق چیست؟ چرا نوجوانان سیگار می کشند؟ ریشه های روحی و روانی در تمایل به سیگار چیست؟ چگونه می توان از این اتفاق جلوگیری کرد؟

اینها سوالات مهمی هستند که در هر جایگاهی، لازم است درموردشان اطلاعات و آگاهی کافی داشته باشیم. چرا که هریک از ما ممکن است با نوجوانانی از این قشر در ارتباط باشیم. پس پیشنهاد می کنم تا آخر این متن با ما همراه باشید.

اصلی ترین علل اعتیاد نوجوانان به سیگار: دلایل مختلفی می تواند باعث شود که یک نوجوان به سمت سیگار کشیده شود و این دلایل اکثراً ریشه در مشکلات روحی و خانوادگی دارند. شما هرچقدر هم که تلاش کنید نمی توانید با منع کردن نوجوان و جلوگیری از ارتباطات اجتماعی او، مانع از سیگار کشیدن او شوید. در اکثر جوانان سیگار کشیدن یک تصمیم روحی است و صرفاً یک عمل ساده نیست و تنها راه حل جلوگیری و حل مشکل سیگار کشیدن نوجوان، بررسی مشکلات روحی و برطرف کردن آنها است.



یک بار امتحان کن!

یکی از دلایلی که باعث گرایش نوجوانان به سیگار می شود امتحان کردن سیگار برای بار اول است که همه ما با آن آشنا هستیم. سیگار یک مخدر اعتیاد آور است و با امتحان کردن آن، شما میل به دوباره کشیدنش را خواهید داشت. بسیاری از نوجوانان به دلیل کنجکاوی، یک بار سیگار می کشند و سپس سیگار را به عنوان راه حل تمام مشکلات روحی خود قبول می کنند. از این اتفاق نمی شود جلوگیری کرد زیرا شما نمی توانید کنجکاوی یک نوجوان را کنترل کنید ولی با کنترل کردن شرایط و رفتار درست می توانید از امتحان کردن دوباره و ادامه دادن آن جلوگیری نمایید.

استرس و نگرانی های زندگی

یکی از تاثیرات سیگار که امروزه به اشتباه در جامعه ما درک شده این است این است که با سیگار کشیدن ذهن خود را آرام می کنید و از نگرانی ها و استرس دور می شوید. سیگار حاوی نیکوتین است که فقط برای چند دقیقه ذهن را آرام می کند و بعد از آن دوباره تمامی نگرانی ها و استرس های فرد به سراغش می آیند. تاثیر سیگار بعد از چند دقیقه از بین می رود و فرد به عنوان یک نوجوان، توانایی و شرایط سیگار کشیدن به تعداد زیاد را ندارد و به دلیل اینکه به سیگار دسترسی ندارد، واکنش هایی نشان می دهد که باعث خردار شدن خانواده از سیگار کشیدن نوجوان می شود. والدین علائم سیگاری شدن فرزند را به آسانی متوجه می شوند و همین باعث افزایش استرس و نگرانی نوجوان می شود و مشکلاتش را افزایش می دهد.

سیگار، تسکینی بر مشکلات خانوادگی

همانطور که بالاتر گفتیم، نوجوان بعد از امتحان کردن سیگار برای بار اول آن را به عنوان تسکینی بر تمامی مشکلات روحی خود قبول می کند. در کشور ما به دلیل مشکلات زیادی که وجود دارد بسیاری از نوجوانان مدام با خانواده خود هستند. دلایلی همچون کمبود توجه به فرزند و ایجاد محیطی استرس زا برای نوجوان باعث می شود که آنها به فکر جلب توجه باشند و سیگار را به عنوان بهترین راه برای جلب توجه خانواده انتخاب کنند. البته فکر نکنید که خانواده با سیگار کشیدن فرزندانشان شروع به توجه کردن به آن می کند، بلکه بسیاری از خانواده های ایرانی بعد از متوجه شدن این موضوع که فرزند آنها سیگار می کشد، شروع به رفتار نادرستی می کنند که باعث می شود فرزندشان نه تنها از کار خود پشیمان نباشد بلکه آن را مصمم تر ادامه دهد.

پیروی از والدین

برخی از نوجوانان این عادت را مستقیماً از والدین سیگاری خود یاد می‌گیرند. در کودکی، سیگاری منفعل می‌شوند و در سنین بالاتر احتمال سیگار کشیدن آنها بیشتر می‌شود. سیگار کشیدن توسط مادر در دوران بارداری خطر اعتیاد به نیکوتین را در کودک افزایش می‌دهد.

تصویر از خود

نوجوانان نسبت به تصویر عمومی خود آگاهی بالایی دارند و این باعث می‌شود که آنها از آنچه در بین مردم انجام می‌شود تقلید کنند. آنها فکر می‌کنند سیگار کشیدن باعث می‌شود که آنها خونسرد، بزرگ و مستقل به نظر برسند.

فرهنگ عامه

شیوه تبلیغات سیگار توسط رسانه‌های جمعی در فیلم‌ها و نمایش‌های تلویزیونی، همچنین می‌تواند یک نوجوان را وادار کند از روی کنجکاوی، سیگار را امتحان کند. همچنین، آنها ممکن است بخواهند از شخصیت فیلم / تلویزیون مورد علاقه خود با سیگار کشیدن تقلید کنند.

عوامل بیولوژیکی

نوجوانان از نظر زیست شناختی حساسیت بیشتری نسبت به نیکوتین دارند و می‌توانند زودتر از بزرگسالان به آن وابسته شوند. هنگامی که محققان بر روی افراد سیگاری از گروه‌های سنی مختلف که روزانه به همان میزان سیگار می‌کشند، مطالعه کردند دریافتند نوجوانان بین ۱۲ تا ۱۷ سال وابستگی به نیکوتین را بسیار بیشتر از هر گروه سنی دیگر نشان می‌دهند.

در دسترس بودن و قیمت مناسب

اگر سیگار به راحتی در دسترس نوجوانان باشد و اگر قیمت آن متناسب با بودجه آنها باشد، استفاده منظم از آن آسان می‌شود.

اثر دوپامین

مصرف نیکوتین باعث افزایش سطح یک انتقال دهنده عصبی به نام دوپامین می‌شود. دوپامین در هنگام انجام برخی فعالیت‌های لذت بخش در بدن ترشح می‌شود. به همین ترتیب، وقتی شخصی از یک محصول دخانیات استفاده می‌کند، ترشح دوپامین باعث می‌شود نوجوان احساس خوبی داشته باشد. با این حال، این احساس در طولانی مدت باقی نمی‌ماند. به همین دلیل است که مایل هستند یکی دیگر را روشن کنند و در نهایت منجر به اعتیاد شود.

سیگار کشیدن در نوجوانی چه خطراتی دارد؟

مشکلات قلبی و تنفسی از اصلی ترین عوارض اعتیاد به سیگار هستند که در تمامی رده های سنی مشاهده می شوند اما در رابطه با نوجوانان سیگار باعث ضرر های فیزیکی بیشتری نیز می شود. یک نوجوان در مسیر رشد قرار دارد و تاثیر منفی سیگار بر افزایش قد یکی از دلایلی است که نوجوانان سیگاری رشد قد مناسبی ندارند. سیگار روی قوای جنسی تاثیر گذاشته و همچنین باعث کاهش وزن فرد می شود. بطور کلی تاثیر سیگار بر نوجوانان را می شود شامل موارد زیر دانست:

- کاهش اندام فیزیکی: سیگار کشیدن عملکرد ریه و رشد آن را کاهش می‌دهد و همچنین باعث تنگی نفس، سرفه، و زوز گوش و افزایش بلغم خواهد شد.
- بیماری‌های قلبی: سیگار کشیدن می‌تواند منجر به بیماری‌های قلبی و مشکلات مربوط به رگ‌های خونی شود.
- بهداشت دهانی ضعیف: افراد سیگاری به احتمال زیاد با دندان‌های زرد، نفس بدبو و دیگر مشکلات دهانی مواجه هستند.
- پوست ناسالم: سیگار کشیدن تأثیر زیادی روی پیری زودرس آسیب‌های پوستی و چروک شدن آن دارد.

● مبینا ولاشجردی

بحران هویت

ماحصل فضای مجازی

سرویس اجتماعی این بار از ابعاد پنهان فضای مجازی و از دلایل جذابیت آن برای نوجوانان سخن می گوید.

اینترنت و فضای مجازی از جلوه های آشکار دنیای مدرن است که به دلیل در دسترس بودن و وجود آن در همه جا، یکی از پرکاربردترین فضاها به شمار می رود، فضایی که نوجوانان و جوانان جامعه بزرگی از کاربران آن را تشکیل می دهند. امروزه فضای مجازی چنان نوجوانان و جوانان را در بازار رنگارنگ خود فرو برده است که گویی هرگز خبری از بازی ها و فعالیت های دسته جمعی آنان نبوده است. در دنیای کنونی، فضای مجازی پناهگاهی پردردسر برای نوجوان و جوانان است و این در حالی است روی خوش به آنها نشان می دهد که در دالان های هزار تویش هزاران تله پدید وجود دارد.

گرچه فضای مجازی دارای فرصت های علمی و ارتباط های اجتماعی نیز هست اما استفاده بی رویه دانش آموزان و جوانان از فضای مجازی منجر به انزوای آنان شده است. این هویت کاذب و زودگذر، تصویری غیرواقعی برای افراد ایجاد می کند و منجر به این می شود که افراد در تلاش و تکاپو برای حضور بیشتر در شبکه های اجتماعی از جمله اینستاگرام و تلگرام باشند و چت کنند. دانش آموز در فضای مجازی بدون توجه به هویت، سعی در ارائه افکار و



علاق و اندیشه های خود دارد که این بسیار خطرناک است.

این روزها شاهد اعتیاد اینترنتی جوانان و نوجوانان به ویژه دانش آموزان هستیم؛ در حالی که جوانان در این محیط ها آسیب پذیری بسیاری دارند. پرسه زدن بی رویه دانش آموزان در فضای مجازی، آفتی برای نظام آموزشی محسوب می شود به گونه ای که سبب نگرانی خانواده ها، مدیران و معلمان به دلیل عدم استفاده صحیح از این فضا شده است.

فضای دنیای مجازی با عمق بسیار زیاد که ورود به آن آسان اما خارج شدن از آن گاه با ضربات روحی و جسمی همراه است، می تواند تا مدت ها بار ذهنی برای کاربران داشته باشد. تاثیرات پرسه زنی بی هدف در این فضا بر ذهن دانش آموزان بیشتر است که بی حوصلگی، عدم تمرکز فکری، افت تحصیلی و عدم موفقیت در تحصیل می تواند از تبعات آن باشد.

یکی از آثار فضای مجازی شبکه های اجتماعی را در جوامع، به خصوص جوامع درحال گذار، ایجاد بحران هویت ملی و دینی می دانند. براساس یک تقسیم بندی نسلی، نسل سوم بیشترین کاربران فضای مجازی در ایران بوده و بیش از نسل های دیگر در معرض آثار ناشی از شبکه های اجتماعی مجازی اند. فضای مجازی نوعی از بحران هویت را در میان طیف گسترده ای از جوانان به وجود آورده و این بحران هویت در زمینه های فردی، ناهمگونی

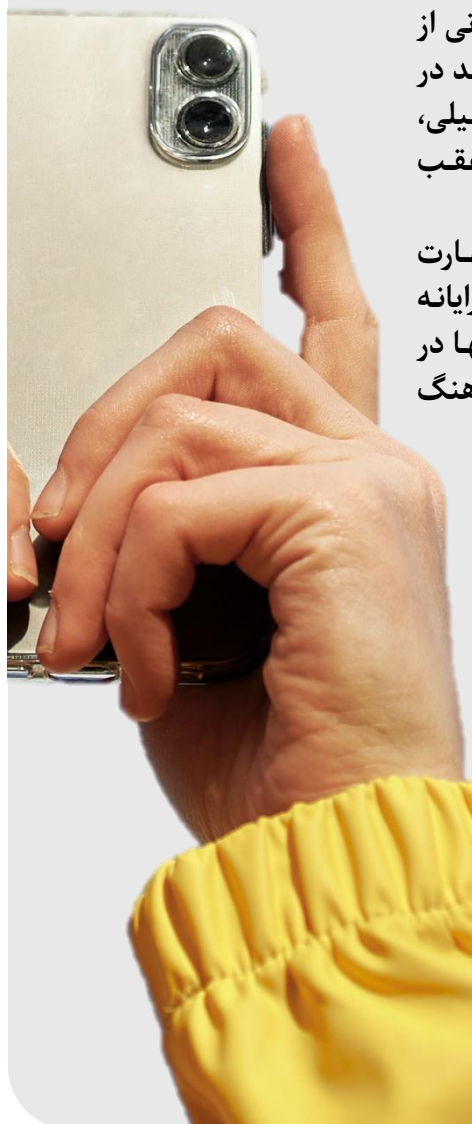
های هویتی را سبب شده و به نحوی تعادل اجتماعی را متأثر کرده است. همچنین شبکه های اجتماعی مجازی، باعث تغییرات اساسی در نهادهای هویت ساز شده اند و عوامل معناساز هویتی را دستخوش تغییر نموده اند.

یکی از مهمترین عوامل برای تعیین اثر مثبت یا منفی رایانه مدت زمانی است که کودک یا نوجوان از آن استفاده می کند و مسئله دیگر نوع فعالیت هایی است که با آنها درگیر است. وقتی فرد برای مدت طولانی از روز پای کامپیوتر می نشیند در سایر فعالیتهای تحصیلی، ارتباطی و اجتماعی دچار عقب ماندگی می شود.

تسلط کامل والدین بر مهارت های مربوط به استفاده از رایانه ها و اینترنت، هوشیاری آنها در این رابطه و از سوی دیگر فرهنگ سازی برای استفاده صحیح از فضای مجازی، می تواند تاثیر بسزایی در فراگیری مهارت های مختلف زندگی و نیز آموزش های مرتبط با تحصیلات و مسائل علمی نسل جوان و نوجوان داشته باشد.

با این وجود،

با این وجود،



فضای مجازی و اینترنت به رغم تمام کاربردها و کارکردهای مفید خود، آسیب‌های اجتماعی خاصی نیز دارد که نمی‌توان نسبت به آن بی‌تفاوت بود. تاثیر این آسیب‌ها به ویژه در نسل در حال رشد کشور حساس‌تر بوده و دقت بیشتری را می‌طلبد. آسیب‌های اجتماعی حاصل از ارتباط با اینترنت دامنه وسیعی دارد. طوری که می‌توان حوزه آسیب‌های آن را از چند هویتی گرفته تا دسترسی به حساب‌های بانکی، هرزه‌نگاری، انتشار محتوای مستهجن، تجاوز به حریم خصوصی افراد و اشاعه خشونت ترسیم کرد؛ آسیب‌هایی است که کارشناسان حوزه جامعه‌شناسی، ارتباطات و روانشناسی بصورت مداوم از آنها صحبت می‌کنند.

آزادی بی‌حد و حصر در فضای مجازی، خلا قانون‌گذاری و عدم امکان حضور و نظارت پلیس بر تمام ابعاد آن موجب می‌شود که عده‌ای از کاربران بر اساس هنجارهای لحظه‌ای عمل کنند. گمنامی، بی‌چهرگی و بی‌نامی افراد در اینترنت نه تنها پیگرد قانونی مجرمان را در فضای رایانه‌ای مشکل می‌سازد، بلکه زمینه گسترش آن را نیز فراهم می‌آورد.

● مبینا توکلی

عشق به وطن ضروری است نه اتفاقی کودک باید عاشق خاک خود باشد

سرویس اجتماعی تاثیر برنامه درسی و مدرسه بر انتقال مفهوم میهن پرستی به دانش آموزان را تبیین می کند.

عشق به وطن و میهن دوستی یکی از ویژگی های انسان است. ویژگی ای که بهترین زمان برای تقویت آن دوران کودکی افراد می باشد. در اصل فهم مفاخر یک کشور و داشتن احساس عشق و علاقه به مکانی که فرد در آنجا زندگی می کند، بعلاوه تاثیر هویتی باعث ایجاد احساس غرور و اعتماد بنفس در فرد می شود. اینکه ما ارزش خاکی که در آن رشد کرده ایم را بدانیم سبب می شود برای حفظ و سربلندی اش نهایت تلاش خود را بکارگیریم؛ همانطور که فردوسی در شاهنامه با داستان آرش کمانگیر این را به خوبی به تصویر کشیده است. وطن دوستی و میهن پرستی در اسلام هم مورد توجه قرار گرفته است و در آیات قرآن کریم مستقیم و غیر مستقیم به این امر اشاره شده است.

همانطور که در آیه ۹ و ۸ سوره ممتحنه در راستای

"ارزش حب به وطن" اینطور آمده است:
«لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ
إِنَّمَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ أَخْرَجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ وَ ظَاهَرُوا عَلَى إِخْرَاجِكُمْ أَنْ تَوَلَّوْهُمْ وَ مَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ»؛ (خدا شما را از

نیکی کردن و رعایت عدالت نسبت به کسانی که در امر دین با شما پیکار نکردند و از خانه و دیارتان بیرون نراندند، نهی نمی کند؛ چرا که خداوند عدالت پیشگان را دوست دارد. تنها شما را از دوستی کسانی نهی می کند که در امر دین، با شما پیکار کردند و شما را از خانه هایتان بیرون راندند، یا به بیرون راندن شما کمک کردند، [نهیتان می کند] از این که با آنها دوستی کنید. و هر کسی آنها را دوست دارد، ظالم و ستمگر است).

خداوند بعد از ماجرای هجرت به پیامبر نازنین اسلام وعده بازگشت به زادگاهش یعنی مکه را می دهد که همه اینها نشانگر ارزش حب به وطن است. برانگیختن عشق به وطن و میهن دوستی باعث می شود که فرد از صمیم قلب بخواهد برای کشوری که در آن رشد کرده است کاری انجام بدهد که باعث رشد و پیشرفت آن بشود. این فرد حتی اگر روزی برای جهاد علمی مجبور به ترک وطن بشود هر روز به بازگشت به کشورش می اندیشد. حال در مقابل، انسانی را تصور کنید که در کشوری متولد می شود، درس می خواند، رشد می کند و درست زمانی که باید به کشورش خدمت کند و آینده کودکان سرزمینش را بسازد با یک مشکل کوچک و یا سختی، به ترک وطن و مهاجرت فکر می کند.

همانطور که گفته شد کودکی و نوجوانی مهم ترین دوران برای پرورش این احساس است و تربیت و تعلیم مهم ترین راه برای تحقق این امر می باشد. در شلوغی های سال گذشته ما شاهد وقایع تلخی مثل توهین به ارزش های کشور و حتی آتش زدن پرچم ایران توسط نوجوان ها و جوان ها بودیم که این امر یکی از آثار سوء کم کاری نظام تعلیم و تربیت کشور و حتی تربیت خانوادگی در شناساندن وطن و تاریخ و اساطیر و قهرمانان ایرانی به نسلی است که شاید کمتر از این تاریخ و قهرمانانش شنیده باشند. نسلی که قهرمان را میان فیلم های مارول و دی سی جستجو میکنند. حال سوال اینجاست که نظام تربیتی کشور بالخصوص مدرسه از چه ابزار هایی در راستای رسیدن به هدف ترسیم شده میتواند استفاده کند؟

خواستن، اولین قدم در احیا حس میهن دوستی در افراد این است که سیستم و افراد حاضر در سیستم خودشان چه مقدار به کاری که انجام می دهند، زمینی که روی آن راه می روند و ملیتی که دارند ایمان دارند و به آن افتخار می کنند. هر معلم و مربی باید در ابتدا خودش یک فرد میهن دوست باشد تا بتواند قلب دانش آموزان و مربی هایش را برای خاک وطنشان، ایران به تپش بیندازد.

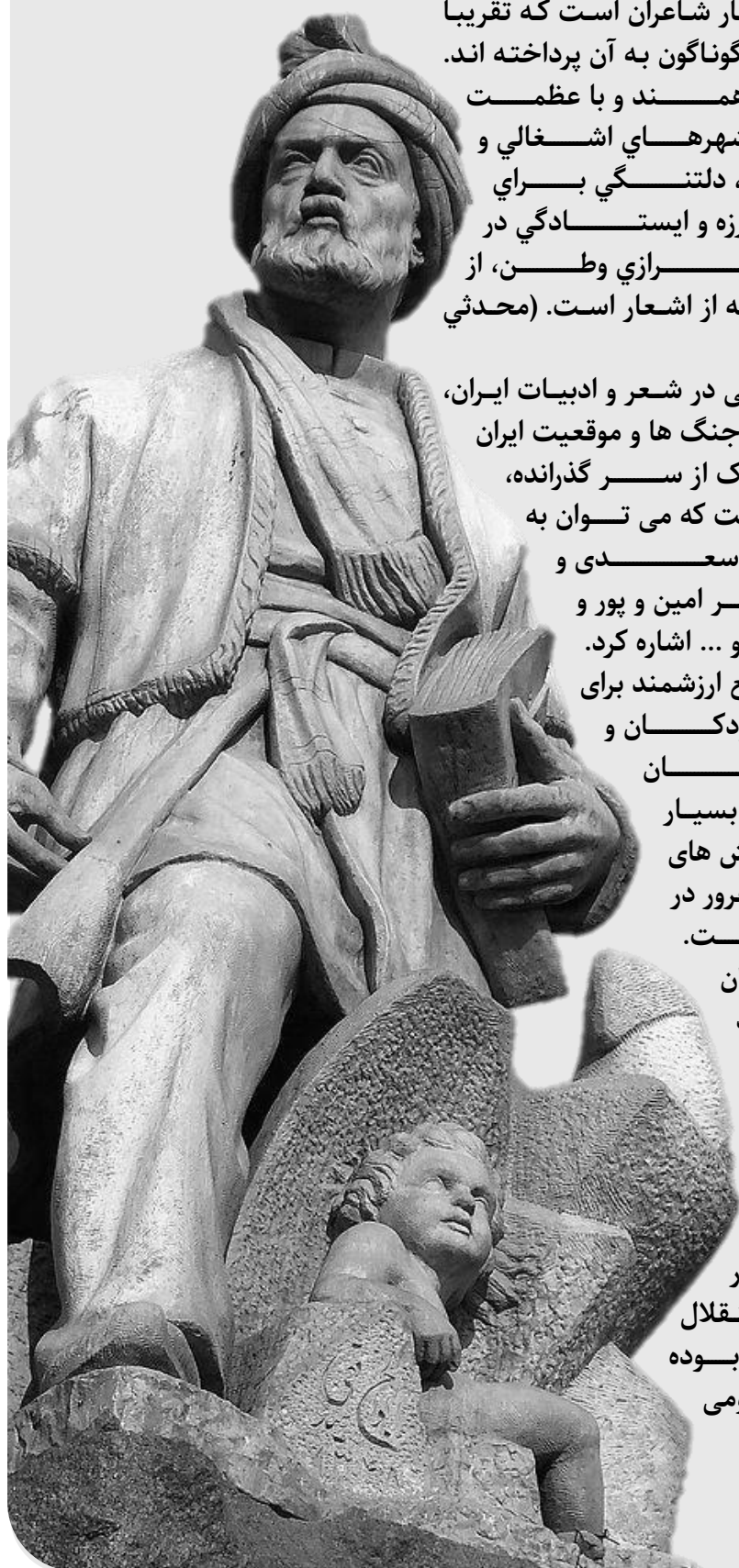


ادبیات، آینه درونی انسان

وطن از موضوعات مهم اشعار شاعران است که تقریباً تمامی شاعران در قالب های گوناگون به آن پرداخته اند. عشق به میهن، توصیف شکوهمند و با عظمت وطن، سروده هایی که درباره شهرهای اشغالی و ویران جنگ سروده شده است، دلتنگی برای شهرها و بالاخره دعوت به مبارزه و ایستادگی در مقابل فتنه های دشمن و سرافرازی وطن، از مضمون های مهم این دسته از اشعار است. (محدثی خراسانی، ۱۳۸۸)

وطن دوستی و میهن پرستی در شعر و ادبیات ایران، تاریخی کهن دارد و به واسطه جنگ ها و موقعیت ایران و اتفاقات دشواری که این خاک از سر گذرانده، منابع بسیاری در دسترس است که می توان به شاهنامه فردوسی و اشعار سعدی و ملک الشعرای بهار و قیصر امین و پور و غزل های محمد مهدی سیار و ... اشاره کرد. شاهنامه فردوسی یکی از منابع ارزشمند برای نشان دادن ایران و ایرانی به کودکان و نوجوانان است. شاهنامه با بیان داستان ها و نمادگرایی، منبع بسیار مناسبی برای نشان دادن ارزش های ایرانی و برانگیختن احساس غرور در ذهن کودکان است.

برای مثال داستان هفت خوان اسفندیار که تئاتر آن اسفند ۱۴۰۱ و بهار ۱۴۰۲ به نمایش گذاشته شد، تجلی خداآوری، احترام به والدین و سخت کوشی و مبارزه با باطل و پلیس دی است. در اشعار ملک الشعرای بهار می توان یافت که آزادی و استقلال وطن برای مردمان ایران، ارزش بوده است و عشق به وطن مفهومی دیرینه دارد.



قیصر که دستی بر شعر کودک و نوجوان دارد، در اشعارش امید به آینده وطن، عشق به میهن و مبارزه در مسیر وطن دیده می شود. یکی از اشعار اعتراضی قیصر به تجاوز به وطن را در ادامه میخوانیم:

در شهر ما، دیوارها دوباره پر از عکس لاله ها است
 اینجا وضعیت خطر کد زانست
 آژیر قرمز است که مینالد تنه میان ساکت شها
 بر خواب ناتمام جسد ها خاشهای وحشی
 دشمن حتی ز نور روزنه بیزارند
 باید تمام پنجره ها را پرده های کور بپوشانیم
 اینجا دیوار هم دیگر پناه پشت کسی نیست

در کتب ابتدایی و متوسطه مدارس ما از اشعار این بزرگان استفاده شده است اما استفاده از ادبیات به تنهایی باعث رشد وطن دوستی نمی شود. مادامی که معلم و مولفان کتاب درسی درک درستی از شعر و داستان نداشته باشند وجود این اشعار امری بی فایده است.

تلخی واقعیت و شیرینی حقیقت در تاریخ

یکی دیگر از راه های برانگیختن حس وطن دوستی در کودکان و دانش آموزان، خوانش تاریخ است. تاریخ هر کشور سرگذشت مردمان و حاکمان و رشادت های آن کشور است. دانش آموزی که بداند تمدنی ۲۵۰۰ ساله دارد به کشورش افتخار می کند. وقتی بداند زمانی که کشور های همسایه ایران چوب و سنگ را خدای خود قرار می دادند مردمانش یکتا پرست بودند کشورش را دوست میدارد. وقتی کودک و نوجوان بداند مردمانش چگونه شجاعانه در مقابل متجاوزان به خاک ایران ایستاده اند، می تواند عاشق این خاک بشود و از نقاط سیاه تاریخ کشورش درس بگیرد.

تاریخ به دانش آموزان، واقعیت ها را نشان می دهد و همین باعث میشود که شیرینی حقیقت بیشتر به جانشان بنشیند. نوجوانی که بداند برای حفظ یک وجب از خاک ایران چند "جان فدا شده است، با هر سختی به فکر ترک این خاک ارزشمند نمی اندیشد. همچنین خواندن تاریخ می تواند به کتب درسی محدود نشود و با اجرای نمایش و دیدن فیلم و مستند همراه باشد تا جذابیت آن برای دانش آموز و کودک بیشتر بشود.



طبیعت شناسی

صورت مسئله، سعی در حل مسائل داشته باشد. همین امر باعث میشود حس میهن دوستی در فرد تقویت بشود.

در این شماره به بررسی راه های احیا حس میهن دوستی در نسل آینده پرداختیم. احساس عشق و تعلق به کشور و تلاش برای سربلندی و احترام به سنت ها و ارزش های یک کشور را میتوان میهن دوستی گفت که نقش بسیار مهمی در هویت یابی دانش آموزان دارد. استفاده از ادبیات، خوانش تاریخ، هنر های نمایشی و بسط و گسترش ابعاد محیط زیستی و بررسی مشکلات اجتماعی موضوعاتی بودند که مورد بررسی قرار گرفتند.

اما سوال اینجاست که برنامه درسی و سیاست های کنونی آپ چه میزان میتواند در راستای احیا این امر اثرگذار باشد؟!

یکی دیگر از راه های برانگیختن حس میهن دوستی شناساندن ارزش مادی و معنوی آب و خاک و طبیعت یک کشور است. کودک و نوجوان باید یاد بگیرند از منابع طبیعی و محیط زیست کشور محافظت کنند. همین امر باعث ایجاد احساس دلسوزی و مسئولیت پذیری در برابر وطن میشود .

دنیا محل رنج و سختی است

به دانش آموز و کودک یاد بدهیم که هیچ زندگی ای بدون مشکل نیست و هیچ پیروزی ای بدون تلاش فراوان و سختی به دست نمی آید . هر جامعه ای مشکلات بزرگ و کوچکی دارد و وظیفه شهروندان و فرزندان هر خاک، تلاش برای برطرف کردن مشکل است. به کودک یاد بدهیم برای مشکلات خود راه حلی پیدا کند. این امر باعث می شود کودک در بزرگسالی به جای فرار از مشکلات و مهاجرت، با آن روبرو شود و بجای پاک کردن

● اطره سادات بادامه زاړ



تحول کلامی نیست!

آیا سیستم آموزشی کنونی کارآمد است؟

سرویس اجتماعی به بررسی چالش ها و کمبود ها در سیستم آموزشی می پردازد.

با بکار گیری افراد متخصص در حوزه خود دیگر دغدغه نیروی متخصص در آموزش و پرورش را نخواهیم داشت.

عدم آموزش کارآمد و موثر

با توجه به نیازهای جامعه

در ایران هرفرد ۱۲ سال زبان انگلیسی میخواند. چقدر میتواند انگلیسی صحبت کند؟ در کره جنوبی تقریباً هیچ موسسه ی آموزش زبان انگلیسی وجود ندارد با این وجود کره ای ها از فرانسوی ها نیز بهتر انگلیسی صحبت میکنند.

چرا آنطور که باید زبان را به دانش آموزان، آموزش نمی دهیم تا آن ها را از کلاس های خارج از سیستم آموزشی بی نیاز کنیم؟

امروزه کمبود های بسیاری در آموزش و پرورش به چشم می خورد که به ترتیب اهمیت به آن ها میپردازیم؛

عدم استفاده مناسب از مدارک و تخصص معلمان

موردی که امروز بسیار به چشم من و همکارانم میخورد و بسیار دردناک است؛ عدم استفاده بهینه از رشته تخصصی معلمان می باشد، برای مثال دیده میشود که معلمی با رشته تخصصی ریاضی درس علوم را در مدرسه تدریس می کند! چه شباهتی بین این دو درس وجود دارد؟ آیا برای پر کردن ۲۴ زمان معلمان در هفته باید هر درسی را به آنها بدهیم؟ در این هنگام چه میزان به دانش آموز و سطح علمی آن اهمیت داده میشود؟ آیا معلم ریاضی پاسخ گوی نیاز های دانش آموز در آن درس خواهد بود؟ با سوالاتی که بیان شد، شعار استفاده از نیروی متخصص در آموزش و پرورش که همواره به گوش می رسد محقق نخواهد شد. ضعف های آن در چندین ساله آینده در این نهاد و همچنین در ارگان های ذی ربط و در انتها در مدرسه و دانش آموزان دیده خواهد شد. امید است که با تصمیم گیری و برنامه ریزی های صورت گرفته به این مساله نیز به صورت جدی پرداخته شود.

این امر نیازمند تغییرات اصولی در کتب و نحوه تدریس این درس در مدارس است و همچنین تاکید بیشتر در امر (speaking) در مدارس حائز اهمیت است. مورد بعدی که وجود دارد این است که با گذر زمان تعدادی از اطلاعات دستخوش تغییراتی میشوند و نیازمند به روز شدن هستند و دلیل آن این است که علم و اطلاعات همواره در حال تطبیق با نیازهای روز هستند.

چرا با گذر زمان و بروز شدن اطلاعات و مستندات، تغییر آنچنانی در کتب درسی دیده نمیشود؟ چرا بسیاری از اطلاعات مورد پرسش در کنکور و آزمون‌ها که به وسیله آن دانش‌آموزان مورد سنجش قرار می‌گیرند؛ اطلاعاتی هستند که بسیاری از اساتید در دانشگاه‌ها آنان را سوخته تلقی کرده و مورد نقد قرار میدهند. آیا هدف شما از یادگیری دانش‌آموزان، آموزش مطالب قدیمی و

سوخته است؟ یا اینکه هدف شما انتقال اطلاعات به روز و کاربردی می‌باشد؟ اگر مورد دوم هدف شما است پس چرا حرکتی در جهت نیل به این هدف صورت نمی‌پذیرد و این روند تا کی ادامه خواهد داشت.

ضعف در برنامه ریزی درسی آموزش و پرورش

به طور کلی، ضعف در برنامه‌ریزی درسی در امور آموزش و پرورش عبارت‌اند از:

عدم تطابق با اهداف آموزشی

زمانی که برنامه‌ریزی درسی به درستی با هدف‌های آموزشی همخوانی نداشته باشد، یادگیری به مسیر درست هدایت نخواهد شد و ممکن است دانش‌آموزان به اهداف مورد انتظار نرسند.

عدم تعیین محتوا به‌طور دقیق

در صورتی که محتوای درسی به درستی انتخاب نشوند یا ترتیب زمانی مناسبی نداشته باشند، یادگیری ناموفق خواهد بود و دانش‌آموزان ممکن است درک ناکافی از مباحث داشته باشند.

نقص در تنوع فعالیت‌ها و روش‌های آموزشی

عدم تنوع در فعالیت‌ها و استفاده از روش‌های یکنواخت می‌تواند منجر به خستگی دانش‌آموزان شود و از توانایی ایجاد تعامل و عمق در یادگیری آنها کاسته شود.

عدم توجه به نیازهای فردی دانش‌آموزان

برنامه‌ریزی درسی باید به نیازها و استعداد‌های مختلف دانش‌آموزان پاسخ دهد. عدم توجه به این نیازها می‌تواند باعث ناکارآمدی در فرآیند یادگیری شود.

عدم ارتباط با واقعیت‌های اجتماعی و شغلی

برنامه‌ریزی درسی باید با واقعیت‌های اجتماعی و شغلی هماهنگ شود تا دانش‌آموزان بتوانند مهارت‌ها و دانش‌هایی را که در زندگی و شغل خود به آنها نیاز دارند را یاد بگیرند.

نقص در زمان‌بندی

عدم زمان‌بندی مناسب موجب می‌شود که بعضی مباحث کمترین توجه و زمان را به خود اختصاص دهند، در نتیجه دانش‌آموزان به طور کامل به مطالب دسترسی ندارند.

عدم بهره‌گیری مناسب از فناوری آموزشی

عصر فناوری اطلاعات و ارتباطات نیاز به استفاده از فناوری آموزشی تاکید می‌کند. عدم بهره‌گیری مناسب از این فناوری‌ها می‌تواند کاهش تنوع، انعطاف‌پذیری و جذابیت در آموزش شوند.

نقص در ارزیابی و بازخورد

برنامه‌ریزی درسی باید شامل روش‌های مناسب ارزیابی و بازخورد باشد. عدم ارزیابی مناسب می‌تواند منجر به نادیده گرفتن مشکلات یادگیری شود.

عدم تعامل معلم و دانش‌آموز

برنامه‌ریزی درسی باید فرصت‌های تعامل معلم و دانش‌آموز را ایجاد کند. عدم تعامل می‌تواند باعث از دست دادن فرصت‌های ارتباطی و عدم یادگیری به صورت تعاملی شود.



عدم توجه به توسعه مهارت‌های زندگی

آموزش مهارت‌های زندگی نیز بخشی از برنامه‌ریزی درسی باید باشد. عدم توجه به این جنبه می‌تواند موجب عدم بهره‌مندی دانش‌آموزان از این مهارت‌ها شود.

توجه به این ضعف‌ها در برنامه‌ریزی درسی می‌تواند به بهبود کیفیت آموزش و پرورش کمک کند و به دانش‌آموزان این امکان را میدهد تا به صورت جامع و عمیق در فرآیند یادگیری شرکت کنند.

ناتوانی در استفاده از فناوری آموزشی: یک چالش عمده در حوزه آموزش و پرورش

۲

کمبود آموزش حرفه‌ای: آموزش حرفه‌ای و دوره‌های آموزشی متناسب با فناوری‌های آموزشی، از جمله نیازمندی‌های ضروری برای توانمندسازی معلمان در این زمینه است. در صورت عدم فراهم‌سازی این آموزش‌ها، معلمان قادر به بهره‌گیری موثر از امکانات فناوری‌های آموزشی نخواهند بود.

۳

مشکلات منابع: منابع مالی، زمان و تجهیزات لازم برای آموزش و تجهیز مدارس با فناوری‌های آموزشی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. کمبود منابع و تجهیزات، به عنوان عوامل مؤثر در ناتوانی معلمان در استفاده از فناوری‌های آموزشی، می‌تواند مانع اجرای مؤثر برنامه‌های آموزشی باشد.

۴

مقاومت در برابر تغییر: تغییر از روش‌های سنتی به روش‌های مبتنی بر فناوری در آموزش، ممکن است با مقاومت و تردید برخی معلمان همراه شود. ترس از تغییر و انتقال به محیطی که نیازمندی‌های جدید و یادگیری‌های مجدد را به همراه دارد، می‌تواند میل معلمان به بهره‌گیری از فناوری‌ها را کاهش دهد.

۱

ناتوانی در بهره‌گیری مؤثر از فناوری‌های آموزشی سیستم آموزش و پرورش، یکی از مهم‌ترین چالش‌ها و مسائل موردنظر در حوزه آموزش و پرورش به شمار می‌رود. این چالش، به تعدادی از دلایل متنوع و پیچیده‌ای باز می‌گردد که در ادامه به تشریح برخی از آن‌ها پرداخته می‌شود:

آمادگی معلمان: معلمان به عنوان افراد کلیدی در فرآیند آموزش و پرورش، نیازمند آمادگی فنی و تخصصی برای استفاده از فناوری‌های آموزشی هستند. عدم آشنایی کافی معلمان با ابزارها و تکنولوژی‌های نوین، باعث می‌شود که آن‌ها به تردیدها و نگرانی‌هایی در مورد انتقال آموزش از روش‌های سنتی به روش‌های فناورانه برخورد کنند.

۵

عدم هماهنگی با محتوای درسی: استفاده موثر از فناوری‌های آموزشی نیازمند تناسب با محتوای درسی و اهداف آموزشی است. اگر فناوری‌ها به درستی به محتوای درسی ارتباط نداشته باشند، ممکن است دارای تأثیر مطلوبی در فرآیند یادگیری دانش‌آموزان نباشد.

۶

کمبود تسهیلات و تجهیزات: تجهیز مدارس با تکنولوژی‌های آموزشی نیازمند سرمایه‌گذاری و منابع مالی است. در مدرسی که به تجهیزات و امکانات فناوری‌های آموزشی دسترسی ندارند، انگیزه و امکانات معلمان برای بهره‌گیری از این ابزارها کاهش می‌یابد.

۷

مهارت‌های تدریس مجازی: تدریس مجازی نیازمند مهارت‌های خاصی از جمله مدیریت زمان، تدریس آنلاین و برقراری ارتباط مجازی است. کمبود این مهارت‌ها در برخی معلمان ممکن است به ناتوانی در انتقال مؤثر محتوا منجر شود.

برای پاسخگویی به این چالش‌ها، لازم است که به توانایی‌ها و نیازهای معلمان در زمینه فناوری آموزشی توجه ویژه‌ای شود. ارتقاء آموزش‌های حرفه‌ای، تأمین منابع مالی و تجهیزات، تشویق به پذیرش تغییر، هماهنگی محتوای آموزشی با فناوری‌ها، و ایجاد فرصت‌های آموزش مجازی از جمله اقداماتی هستند که می‌تواند به بهبود وضعیت و افزایش استفاده از فناوری‌های آموزشی در محیط‌های آموزشی کمک کند.

● حسن اسدالهی



دلایل انزوای اجتماعی نوجوان و دانش آموز

تاثیر معلم بر روان دانش آموزان

دانش آموزان، ظرفیت‌های مهمی دارند که شکوفاسازی آنها شرط لازم و اساسی موفقیت و توسعه جوامع امروزی است، اما وجود عوامل خطرآفرین متعدد در این مسیر، همواره آسیب‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت فردی و اجتماعی را در پی داشته است. بسیاری از دانش آموزان در زمان تحصیل با موقعیت‌های مشکل ساز اجتماعی و آموزشی در کلاس، خانه و اجتماع مواجه می‌شوند که می‌تواند به شکست آنها در مدرسه منجر شود و زندگی آینده آنان را با ضعف و ناتوانی روبه‌رو کند.

مدارس باید به ویژگی‌های شخصیتی تک‌تک دانش آموزان خود توجه داشته باشند و برای بهبود آنها برنامه‌ریزی کنند. آنها می‌توانند در کنار کلاس‌های درسی خود، کارگاه‌هایی برگزار کنند که ارتقای عزت نفس و خودکارآمدی تحصیلی دانش آموزان را موجب می‌شود. همچنین باید برای خلق انگیزه در دانش آموزان برنامه‌ریزی کنند و علاوه بر بیان دلایل و انگیزه‌های ارزشمند درس خواندن برای دانش آموزان در چنین کارگاه‌هایی با انجام برخی اقدامات مانند اجرای مسابقات و جشنواره‌ها انگیزه دانش آموزان را بالا ببرند. در این روند، بهتر است شرایطی فراهم شود که دانش آموزان به صورت ملموس، انتظارات تحصیلی موجود از خود را بدانند. برای دستیابی به چنین اهدافی توصیه می‌شود که به وظیفه مشاوران مدارس بیشتر توجه شود. دوره‌های منظم آموزشی برای دانش آموزان برگزار شود و سرمایه‌گذاری بیشتری در زمینه خدمات مشاوره‌ای انجام شود.

علل گوشه گیری نوجوان

عوامل بسیار متعددی در گوشه گیری نوجوان نقش دارند که در این جا برخی از مهم ترین این عوامل را یادآور می شویم:

- غم و اندوه شدید و مداوم
- بی پاسخ ماندن پرسش های کنجکاوانه
- فقر و تنگدستی
- بی حوصلگی در برقراری ارتباط سالم با نوجوان
- ضعف و نقص جسمانی
- نبود الگوی اجتماعی مطلوب در خانه
- احساس حقارت شدید
- محرومیت از محبت مادر
- عقب ماندگی درسی
- حضور نداشتن پدر در خانواده
- پذیرفته نشدن در خانه و مدرسه
- اعتیاد والدین
- احساس ترس و ناامنی
- اختلال در غدد فوق کلیوی
- نابسامانی های خانوادگی
- بیماری های طولانی مدت نوجوان
- جدایی والدین
- انتقال فرد به مدرسه و مکان جدید
- بی پاسخ ماندن پرسش های کنجکاوانه
- تبیض
- بی حوصلگی در برقراری ارتباط سالم با نوجوان
- انتقادهای و بهانه گیری های مستمر و بی مورد
- برخی والدین و معلمان

برخی از نشانه های مهم گوشه گیری نوجوانان

- ناتوانی در برقراری رابطه با دوستان و معلمان
- فرار از فعالیت های اجتماعی و به تعویق انداختن کارها
- بی حوصلگی و احساس خستگی و نگرانی از آینده
- کمک نخواستن از دیگران هنگام نیاز
- سازش با وضع موجود و اعتراض نکردن به آن حتی در صورت احساس ناراحتی و نگرانی
- ابراز وجود نکردن
- تسلیم نشدن در برابر خواسته های دیگران
- اجتناب از رقابت
- درون گرایی و در خود فرو رفتن
- زود گریستن
- غیبت از مدرسه
- نداشتن تمرکز حواس
- اختلال در خواب و خوراک
- نادیده و نشنیده گرفتن پرسش های اطرافیان
- مطرح نکردن اشکالات درسی در کلاس و عقب ماندگی درسی

تعریف بهداشت روانی

سازمان بهداشت جهانی، بهداشت روانی را این گونه تعریف می‌کند: «بهداشت روانی در درون مفهوم کلی بهداشت قرار دارد و بهداشت یعنی توانایی کامل برای ایفای نقش‌های روانی و جسمی؛ بنابراین بهداشت به معنای نبود بیماری یا عقب‌ماندگی نیست.»

از نظر انجمن بهداشت روانی کانادا نیز بهداشت روانی یعنی: «توانایی سازگاری با دیدگاه‌های خود، دیگران و رویارویی با مشکلات روزمره زندگی»، «بهداشت روانی همان سلامت فکر و قدرت سازگاری فرد با محیط و اطرافیان است. همچنان که از جسم خود مراقبت می‌کنیم روح خویش را نیز باید مقاومت‌تر سازیم تا زندگی بهتری داشته باشیم.

ایجاد فرصت برای شکوفایی استعدادها، توانایی‌ها، کنار آمدن با خود و دیگران یکی از اهداف مهم و اساسی بهداشت روانی می‌باشد. برای همین اولیای مدرسه در سلامت روان دانش‌آموزان دارای نقش‌های حرفه‌ای هستند.

اهمیت چگونگی رفتار معلم با دانش‌آموزان

یک نظریه وجود دارد و آن این است که بال زدن پروانه‌ای در یک نقطه از زمین، می‌تواند باعث به وجود آمدن یک طوفان در نقطه‌ی دیگری از زمین باشد. وقتی به زندگی گذشته افراد موفق و پرتلاش هم نگاه کنید یک معلم، به عنوان شخصی که پله‌ی پرتاب شخص به سمت علم و دانش عمیق‌تر شده است، خواهید دید. رفتار شما می‌تواند نقطه پرتاب باشد. و در مقابل می‌تواند لبه‌ی سست یک پرتگاه شود.

نقش معلمان در بهداشت روانی دانش

آموزان نقش الگویی معلم و نفوذی

که او در انضباط دادن به رفتارهای

دانش‌آموزان دارد، بر همگان

روشن است. اگر آموزگار

از ویژگی الگو دهی خوبی

برخوردار باشد

می‌تواند تأثیرات

عمیقی در رشد

شخصیت و

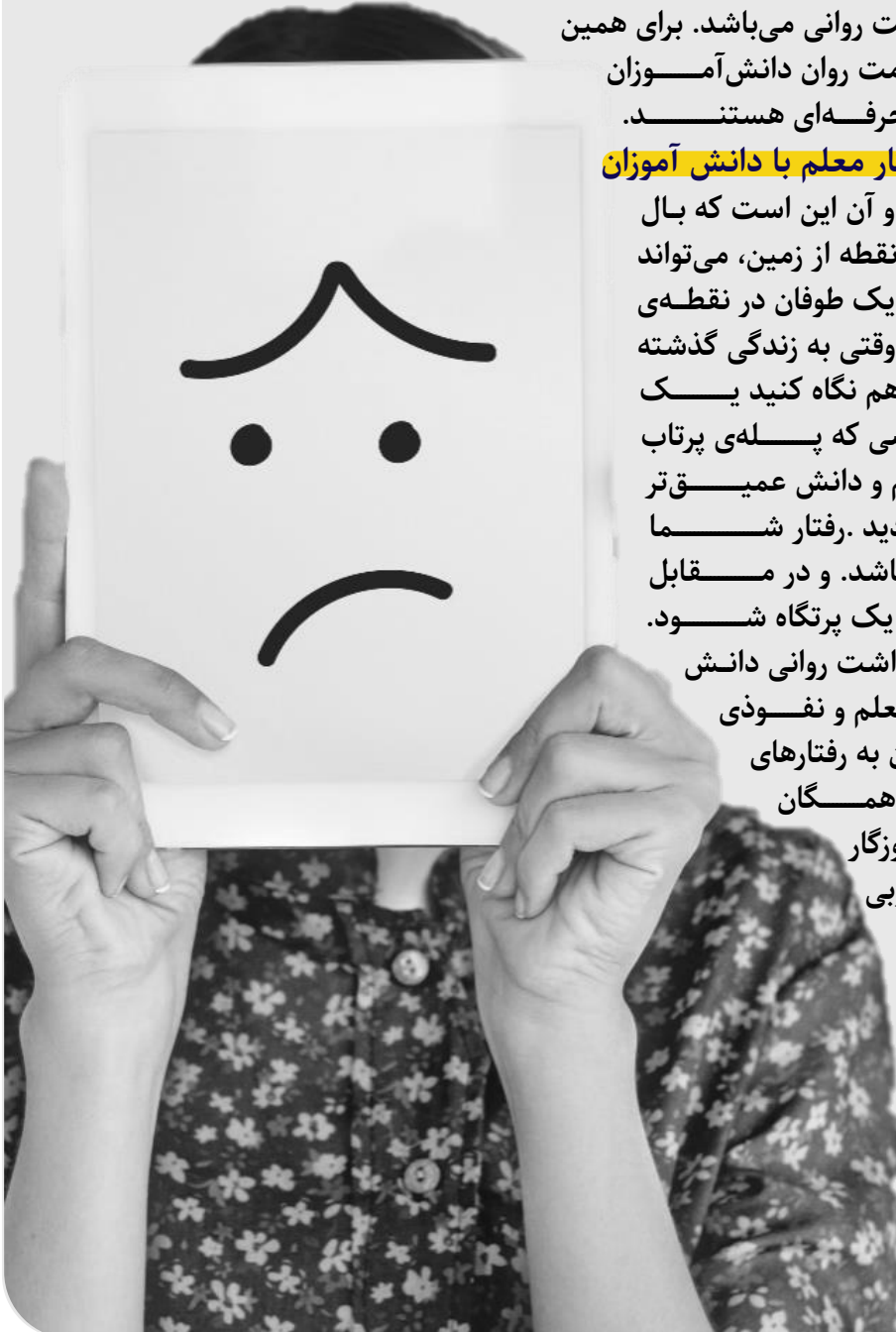
بهداشت روانی

دانش‌آموزان باقی

بگذارد. معلم نباید

تمام تلاش خود را

صرف این نماید



که بچه‌ها بهترین نمره را کسب کنند، بلکه باید بکوشد به هر فرد اندازه توانایی او مسئولیت دهد و حتی‌الامکان در پرورش فکر و روان دانش آموز بکوشد. معلم باید کودک را بپذیرد، هرچند نمی‌تواند رفتار او را بپذیرد؛ به کودک باید احترام بگذارد و با توجه به توانایی‌هایش به او ارج نهد. آموزگار نباید کوشش خویش را صرف حکمرانی بر کودک کند، بلکه باید سعی در جهت دادن اعمال کودک به سوی پیشرفت موفقیت‌آمیز و سازگاری هر چه بیشتر وی نماید. معلم باید قادر به بیان و ابراز احساسات خویش باشد تا دانش آموز بتواند او را به عنوان فردی قابل اعتماد ببیند.

مهم‌ترین شرط معلم خوب از لحاظ بهداشت روانی این است که با کمال صمیمیت و خلوص نیت، کودکان را دوست بدارد و از رفتار آنان آزرده نشود؛ بلکه با صبر، حوصله و خوش‌رویی به عمق مشکلات دانش آموزان پی ببرد و در حل این مسائل تا حد ممکن بکوشد. بنابراین کودکان در مدرسه می‌آموزند با زندگی آن چنان که هست مواجه شوند، می‌آموزند خود را با آداب، رسوم و ارزش‌های موجود جامعه منطبق سازند و به نیازهای دیگران توجه داشته باشند.

نهایتاً، یک معلم باید از نظر تأثیرگذاری در بهداشت روانی کودک، ویژگی‌های زیر را داشته باشد:

- معلم باید از لحاظ روانی سالم باشد
- معلم باید کودکان را دوست بدارد و به آنان احترام بگذارد.
- معلم باید رابطه میان تعلیم، تربیت و بهداشت روانی را بداند.
- معلم باید سعی کند تا کودک را در بحران‌ها و مسائل عاطفی، خانوادگی و اجتماعی کمک نماید.
- معلم باید در مورد رشد جسمی و روانی کودک اطلاعات لازم داشته باشد.
- معلم باید علائم و نشانه‌های اختلالات رفتاری و روانی شاگردان را بداند.

● فاطمه نجاری، سمیرا محمودی درقدم

بین الملل

معلمان راضی اند!

اگر راضی باشی جایگاه خود را حفظ می کنی

سرویس بین الملل فرهنگراه به بررسی جایگاه معلم در کشور استرالیا و میزان رضایت آنها از حرفه شان می پردازد.

استرالیا کشور بسیار پیشرفته در عرصه آموزش و تدریس می باشد که توانسته رتبه بالایی در جهان را به خود اختصاص دهد. دولت استرالیا نسبت به گزینش و گلچین افراد در این عرصه حساسیت بالایی دارد.

طبق تحقیقات به عمل آمده در سال های اخیر، میزان رضایت معلمان از شغل خود نسبت قابل توجهی بوده است و همچنین تحقیقات نشان می دهد معلمانی که رضایت شغلی خود را گزارش می کنند، بین ۴ تا ۹ برابر بیشتر احتمال دارند که در این حرفه باقی بمانند. حدود ۵۶ درصد شرکت کنندگان با شغل خود موافق، ۳۰ درصد آنها مخالف و ۴ درصد آنها کاملاً مخالف بودند.

از شرکت کنندگانی که مخالف بودند و تمایل به ترک کار داشتند، علت را جویا شدند. بیشتر آنها احساس می کردند در جامعه، میان مردم و رسانه ها مورد بی احترامی قرار گرفته اند و همچنین اعتماد بسیار کمی به معلمان وجود دارد که این بی اعتمادی از والدین، مدیران مدرسه، دولت، عموم مردم و دانش آموزان بزرگتر ناشی می شود. معلمان احساس می کنند مورد انتقاد قرار می گیرند و باید ارزش خود را بارها ثابت کنند که این کار برایشان سخت و چالش برانگیز است.

در نظر سنجی بعدی از شرکت کنندگان معلم خواسته شد تا موافقت خود را با این جمله که «من حجم کاری فعلی ام را قابل مدیریت می دانم» اعلام کنند. نتایج

جالب است؛ اکثریت مخالف بودند یعنی حدود

۴۷ درصد مخالف ۲۸ درصد به شدت مخالف

۲۳ درصد موافق بودند و حجم کاری خود را

قابل مدیریت می دانستند. ۲ درصد به شدت

موافق بودند و حجم کاری خود را سبک

می دانستند.

از نظر شرکت کنندگان، دولت دیدگاه درستی در مورد حجم و زمان کار معلمان ندارد و اکثریت اعتقاد دارند که شغل آنها روی زندگی شخصی‌شان تاثیر گذاشته است و انتظار دارند که حقوق بیشتری برایشان در نظر بگیرند.

موضوع بعدی که مورد بررسی قرار گرفت، احساس امنیت در محل کار است. حدود ۸۱ درصد معلمان احساس امنیت می‌کردند و ۱۹ درصد احساس ناامنی می‌کردند. از معلمانی که احساس ناامنی می‌کردند خواسته شد دلایل خود را بیان کنند. در برخی مدارس خشونت و پرخاشگری زیادی علیه معلمان اتفاق می‌افتد که باعث مشکلات روحی و روانی و همچنین جسمی برای آنها شده است.

آخرین مورد در نظر سنجی این بود که آیا تدریس را به عنوان یک شغل به یک جوان در زندگی خود توصیه می‌کنند یا خیر؟

اکثریت معلمان، این شغل را توصیه نمی‌کنند و علل مختلفی عنوان کرده اند:

۳ حقوق ناکافی

۲ حجم کار

۱ رفاه

۵ تکریم و احترام ناکافی

۴ نگرانی در مورد وضعیت حرفه

این نظر سنجی نشان می‌دهند حجم کار و عوامل رفاه، بیشترین تاثیر را بر حفظ معلم و همچنین جذب معلمان آینده به این حرفه داشته است. با توجه به بررسی‌های که در مقاله فوق انجام شد می‌توان نتیجه گرفت، با این حال که اکثریت معلمان استرالیا به صورت کلی از شغل خود راضی هستند اما همچنان آن را به عنوان یک حرفه به اطرافیان خود یا فرزندان خود پیشنهاد نمی‌دهند چرا که اعتقاد دارند این شغل چالش برانگیز است و حقوق کافی برای این شغل در نظر گرفته نشده است.

● سایه گرامی

پول زیاد ضمانت کننده کیفیت آموزشی!

آموزش کارآمد، نتیجه سرمایه گذاری هنگفت فنلاند

سرویس بین الملل فرهنگراه به بررسی نمای کلی نظام آموزش و پرورش کشور فنلاند می پردازد.

مروری جامع بر آموزش در فنلاند:

سیستم آموزشی فنلاند به طور مداوم به عنوان یکی از بهترین سیستم های آموزشی در جهان رتبه بندی می شود و به دلیل کارآمد بودن، موثر بودن و نوآور بودن شهرت پیدا کرده است. دولت فنلاند سرمایه گذاری هنگفتی در آموزش و پرورش کرده است که نتیجه آن سیستمی است که به آموزش، یادگیری و پیشرفت آکادمیک اهمیت زیادی می دهد. هدف این سند جامع، ارائه یک نمای کلی از سیستم آموزشی در فنلاند، از آموزش ابتدایی تا آموزش عالی است. برای شروع بهتر است به بررسی ساختار آموزش در فنلاند پرداخت. آموزش در فنلاند به چندین سطح تقسیم می شود: آموزش پیش دبستانی، آموزش ابتدایی، آموزش متوسطه، آموزش حرفه ای و آموزش عالی. در فنلاند، آموزش از پیش دبستانی تا آموزش عالی و حتی فراتر از آن رایگان است. آموزش مقدماتی برای همه کودکان بین ۶ تا ۱۶ سال اجباری است که معمولاً به مدت ۹ سال است. پس از اتمام تحصیلات پایه، دانش آموزان می توانند ادامه تحصیلات متوسطه را انتخاب کنند، که اجباری نیست اما مسیر مهمی برای آموزش عالی و آموزش حرفه ای است. آموزش متوسطه فنلاند به دو بخش آکادمیک و حرفه ای تقسیم می شود. مسیر حرفه ای، مهارت های عملی و فرصت های یادگیری مبتنی بر کار را برای دانش آموزان فراهم می کند؛ در حالی که مسیر آکادمیک، دانش آموزان را برای تحصیل در سطح دانشگاه آماده می کند. هر دو مسیر، آموزش با کیفیتی را برای دانش آموزان فراهم می کنند و در صورت تغییر علایق دانش آموز، امکان جابجایی بین این دو مسیر وجود دارد. علاوه بر این، تحصیلات متوسطه در فنلاند کاملاً رایگان است.

آموزش عالی فنلاند نیز از کیفیت جهانی برخوردار است. فنلاند دارای چندین دانشگاه بسیار معتبر است و تحقیق و نوآوری در سیستم آموزش عالی فنلاند بسیار ارزشمند است. علاوه بر این، دولت فنلاند برای دانشجویانی که مایل به ادامه تحصیلات عالی هستند، حمایت مالی سخاوتمندانه ای از جمله بورسیه تحصیلی و وام های دانشجویی ارائه می کند. سیستم آموزشی فنلاند به موفقیت خارق العاده ای دست یافته است و به طور مداوم در رتبه بندی های آموزشی جهانی در بین بهترین عملکردها قرار می گیرد. برخی از تأثیرات کلیدی آموزش فنلاند عبارتند از: پیشرفت دانش آموزان، تفاوت های آموزشی کم و فرهنگی که برای آموزش و یادگیری مادام العمر ارزش قائل است. در ادامه به برخی از عوامل موفقیت آموزش و پرورش فنلاند در سطح جهان اشاره می کنیم.

ویژگی های کلیدی آموزش فنلاند:

آموزش در دوران کودکی مبتنی بر بازی

یکی دیگر از جنبه های مهم سیستم آموزشی فنلاند، تأکید آن بر بازی و اجتماعی شدن در آموزش دوران کودکی است. آموزش در دوران کودکی در فنلاند از یک مدل مبتنی بر بازی پیروی می کند و اهمیت یادگیری از طریق بازی را تشخیص می دهد. این رویکرد به کودکان اجازه می دهد تا مهارت های اجتماعی و حل مسئله را کشف، آزمایش و توسعه دهند. پیش دبستانی های فنلاند محیطی امن و پرورشی را فراهم می کنند که حس کنجکاوی را تحریک می کند و عشق مادام العمری به یادگیری را القا می کند. آموزش پیش دبستانی فنلاند مبتنی بر بازی است و به جای مهارت های تحصیلی، بر توسعه مهارت های اجتماعی تمرکز دارد. همچنین به صورت فراگیر با تمرکز ویژه بر حمایت از کودکان دارای معلولیت طراحی شده است.

فرصت های برابر و برابری

یکی از نقاط قوت کلیدی سیستم آموزشی فنلاند تأکید آن بر برابری و برابری است. آموزش فنلاند به دلیل تعهد خود به ارائه فرصت های برابر برای همه دانش آموزان، برجسته است. صرف نظر از پیشینه اجتماعی-اقتصادی یا موقعیت جغرافیایی، هر کودکی به آموزش با کیفیت بالا دسترسی دارد. این تأکید بر برابری به کاهش نابرابری های آموزشی و ترویج جامعه فراگیرتر کمک می کند. مدارس فنلاند بدون در نظر گرفتن پیشینه یا محل زندگی آنها در کشور، فرصتی برابر برای یادگیری برای هر کودک فراهم می کند. همه کودکان به همان مدارس دولتی با کیفیت بالا دسترسی دارند و هیچ سیستم مدرسه خصوصی وجود ندارد. دولت فنلاند بر این باور است که هر کودک بدون توجه به وضعیت اجتماعی-اقتصادی خانواده یا هر عامل دیگری که ممکن است بر تحصیل آنها تأثیر بگذارد، شایسته شانس برابر برای موفقیت در زندگی است.



برنامه های درسی کل نگر و یادگیری مبتنی بر تحقیق

برنامه درسی فنلاند به طیف وسیعی از موضوعات از جمله علوم، هنر، تربیت بدنی و موسیقی اهمیت می دهد. تاکید فراتر از به خاطر سپردن رونوشت، تمرکز بر تفکر انتقادی و مهارت های حل مسئله است. دانش آموزان تشویق می شوند تا در یادگیری مبتنی بر تحقیق، پرورش کنجکاوی و اکتشاف مستقل شرکت کنند. علاوه بر این، تمرکز زیادی بر توسعه مهارت های ارتباطی و همکاری وجود دارد، زیرا همکاری با یکدیگر برای موفقیت در دنیای مدرن ضروری است. مدارس فنلاند همچنین بر اهمیت تربیت بدنی و هنرها تأکید می کنند که به عنوان بخشی جدایی ناپذیر از یک آموزش جامع دیده می شوند.

معلمان واجد شرایط و محترم

مدارس فنلاند به خاطر محیط آموزشی حمایتی و دلسوز خود شناخته شده اند. معلمان فنلاندی متخصصان بسیار ماهر و قابل احترامی هستند و در کار خود استقلال زیادی به آنها داده می شود. مدارس فنلاند دارای کلاس های کوچک هستند و معلمان و دانش آموزان در فضایی از احترام و اعتماد متقابل با یکدیگر همکاری می کنند. مدارس فنلاند به خاطر محیط کم استرس خود شناخته شده اند و دانش آموزان در معرض آزمون های پرمخاطره ای که در کشورهای دیگر بسیار رایج است قرار نمی گیرند. معلمان در فنلاند تحت آموزش های دقیق و توسعه حرفه ای قرار می گیرند و از استاندارد بالای آموزش اطمینان می دهند. آنها متخصصان قابل اعتمادی هستند که استقلال قابل توجهی در روش های تدریس خود دارند. این حرفه مورد احترام است، استعدادهای برتر را جذب می کند و فرهنگ تعالی را در آموزش پرورش می دهد.

رویکرد کودک محور

آموزش فنلاند رویکرد کودک محوری را اتخاذ می کند و رفاه دانش آموزان و رشد همه جانبه را در خط مقدم قرار می دهد. تمرکز فقط بر پیشرفت تحصیلی نیست، بلکه بر پرورش خلاقیت، مهارت های اجتماعی و رشد شخصی نیز تمرکز دارد. این رویکرد عشق به یادگیری را تشویق می کند و تفکر مستقل را پرورش می دهد.

نتیجه:

سیستم آموزشی فنلاند به دلیل برتری، برابری و نوآوری مشهور است. فنلاند با سرمایه گذاری هنگفت در آموزش و ایجاد فرصتی برابر برای همه دانش آموزان برای یادگیری، سیستمی را ایجاد کرده است که برتری تحصیلی، خلاقیت، مهارت های حل مسئله و همکاری را ارتقا می دهد. مدارس فنلاند به خاطر محیط آموزشی حامی و دلسوز خود شناخته می شوند و به دانش آموزان ابزارهای لازم برای موفقیت در زمینه تحصیلی و سایر زمینه های زندگی خود داده می شود. جای تعجب نیست که سیستم آموزشی فنلاند به طور مداوم به عنوان یکی از بهترین ها در جهان رتبه بندی می شود و به عنوان یک الگوی ارزشمند برای سایر کشورهایی که به دنبال ارتقای سیستم آموزشی خود هستند عمل می کند!

اگر شما به عنوان دبیر قصد مهاجرت داشته باشید، به کدام کشور مهاجرت می کنید؟ چرا؟

لطفاً توجه داشته باشید که این نمای کلی جامع، نمایشی فشرده از آموزش فنلاند است و ممکن است همه جنبه ها را با جزئیات در بر نگیرد.

یادگیری مشارکتی و فرهنگ مثبت مدرسه

همکاری و کار گروهی جزء جدایی ناپذیر آموزش فنلاند است. دانش آموزان تشویق می شوند تا با هم کار کنند، ایده ها را به اشتراک بگذارند و از یکدیگر بیاموزند. مدارس فنلاند همچنین ایجاد فرهنگ مدرسه مثبت، ایجاد یک محیط آموزشی حمایت کننده و محترمانه را در اولویت قرار می دهند.

حداقل تست استاندارد

برخلاف بسیاری از سیستم های آموزشی دیگر، فنلاند دارای حداقل تست استاندارد است. در واقع تمرکز بر ارزیابی مستمر توسط معلمان به جای امتحانات پرمخاطره است. این سطح استرس را در بین دانش آموزان کاهش می دهد و امکان ارزیابی جامع تری از پیشرفت دانش آموزان را فراهم می کند.

توسعه حرفه ای مستمر

توسعه حرفه ای یکی از جنبه های کلیدی آموزش فنلاند است. معلمان به طور منظم در یادگیری بیشتر و همکاری حرفه ای شرکت می کنند تا از آخرین تحقیقات آموزشی و بهترین شیوه های به روز استفاده کنند. این تعهد به بهبود مستمر هم به نفع معلمان و هم دانش آموزان است.

کاراکتر معلم در جمهوری ترکیه

معلم در تشکیلات آموزشی ترکیه

سرویس بین الملل فرهنگراه به بررسی نحوه پذیرش و تحلیل جایگاه معلم در کشور ترکیه می پردازد.

فرایند وزارتخانه ای تربیت معلم

در گذشته معلمان دبستان در مدارس معلمی (موسسات روستایی ، مدارس معلمان روستا) آموزش می دیدند. فارغ التحصیلانی که در دانشگاه های آموزش عالی یا در شاخه های خاصی از دانشکده های ادبیات و علوم تحصیل کرده بودند و دوره های اضافی مورد نیاز این حرفه (آموزش، تاریخ تربیتی، شکل گیری تربیتی، روان شناسی) را برای دریافت مجوز تدریس گذرانده بودند، به عنوان معلمان مقطع دبستان شروع به فعالیت می کردند اما امروزه وظیفه تربیت معلم بر عهده دانشکده های آموزشی مربوطه و دانشکده های

آموزش فنی دانشگاه ها می باشد. معلمان بر اساس آئین نامه ای که وزارتخانه تهیه می کند در چارچوب فرصت های آموزش و پرورش در مدارس مشغول به کار می شوند.

معلم در فرهنگ عمومی چه جایگاهی دارد؟

معلم کسی است که تبیین هنر یا دانش را به روش فنی یا حرفه ای انجام می دهد. معلم فقط فردی نیست که وظیفه تدریس را بر عهده دارد بلکه می تواند کسی باشد که در یک روستا چوپانی را به شاگردش آموزش می دهد؛ البته این به این معنی نیست که تفکیکی بین معلم آکادمیک با معلم تجربی وجود ندارد، اصل مطلب با ارزش دانستن فرایند یاددهی - یادگیری می باشد. معلم که به زبان ترک ها (استاد : هوجا Hoca ، معلم : اورتمن Öğretmen) گفته می شود، مقام والایی دارد و در جامعه به نوعی در بین تمام طبقات جامعه فارغ از درآمد در قامت یک معلم دارای افتخار می باشد. با توجه به پیشینه اسلامی و وجود رگه های اسلامی در بین مردم ترکیه، آنها فرایند آموزش را امر الهی تلقی می کنند و کسی که تدریس می کند را شایسته ارجمندی و بزرگواری می دانند.



معلم چه می کند؟

التحصیلی، باید در آزمون
معلمان افرادی هستند که برای
آموزش دانش تلاش می کنند و
همیشه به بهبود خود نیازمند
هستند. در ترکیه مانند کشور
ایران نیز معلمان در رشته های
مختلف علوم پایه، فنی، هنری،
پزشکی و ... فعالیت می کنند؛
البته استاندارد ها و چارچوب
منحصر به خود را دارند که در
آینده مورد بررسی قرار خواهد
گرفت.

التحصیلی، باید در آزمون
معلمان افرادی هستند که برای
آموزش دانش تلاش می کنند و
همیشه به بهبود خود نیازمند
هستند. در ترکیه مانند کشور
ایران نیز معلمان در رشته های
مختلف علوم پایه، فنی، هنری،
پزشکی و ... فعالیت می کنند؛
البته استاندارد ها و چارچوب
منحصر به خود را دارند که در
آینده مورد بررسی قرار خواهد
گرفت.

التحصیلی، باید در آزمون
معلمان افرادی هستند که برای
آموزش دانش تلاش می کنند و
همیشه به بهبود خود نیازمند
هستند. در ترکیه مانند کشور
ایران نیز معلمان در رشته های
مختلف علوم پایه، فنی، هنری،
پزشکی و ... فعالیت می کنند؛
البته استاندارد ها و چارچوب
منحصر به خود را دارند که در
آینده مورد بررسی قرار خواهد
گرفت.

التحصیلی، باید در آزمون
معلمان افرادی هستند که برای
آموزش دانش تلاش می کنند و
همیشه به بهبود خود نیازمند
هستند. در ترکیه مانند کشور
ایران نیز معلمان در رشته های
مختلف علوم پایه، فنی، هنری،
پزشکی و ... فعالیت می کنند؛
البته استاندارد ها و چارچوب
منحصر به خود را دارند که در
آینده مورد بررسی قرار خواهد
گرفت.

چگونه معلم می شوند؟

متقاضیان پس از دریافت
تکمیل تحصیلی که از
دانشکده های خود، باید دارای
تشکیلات آموزشی لازم نیز
باشند. ابتدا باید انتخاب کنند
که در چه رشته ای تدریس
خواهند کرد و پس از فارغ

متقاضیان پس از دریافت
تکمیل تحصیلی که از
دانشکده های خود، باید دارای
تشکیلات آموزشی لازم نیز
باشند. ابتدا باید انتخاب کنند
که در چه رشته ای تدریس
خواهند کرد و پس از فارغ

متقاضیان پس از دریافت
تکمیل تحصیلی که از
دانشکده های خود، باید دارای
تشکیلات آموزشی لازم نیز
باشند. ابتدا باید انتخاب کنند
که در چه رشته ای تدریس
خواهند کرد و پس از فارغ

متقاضیان پس از دریافت
تکمیل تحصیلی که از
دانشکده های خود، باید دارای
تشکیلات آموزشی لازم نیز
باشند. ابتدا باید انتخاب کنند
که در چه رشته ای تدریس
خواهند کرد و پس از فارغ

برای معلم شدن چه شرایطی وجود دارد؟

● اولاً برای معلم شدن
تی.جی. فرد باید شهروند
باشد (TC: Türkiye
Cumhuriyeti / یعنی



وظایف معلم چیست؟

- داشتن برنامه ریزی روزانه و سالانه
- دنبال کردن پیشرفت دانش آموزان
- اجرای برنامه درسی تعیین شده هر ساله به صورت منظم
- برنامه ریزی تدریس درست دروس
- تدوین کلیه استانداردها در زمینه آموزش و ارائه تدریس خوب
- فراهم کردن فرصت کار اجتماعی را برای دانش آموزان

درآمد معلم؟

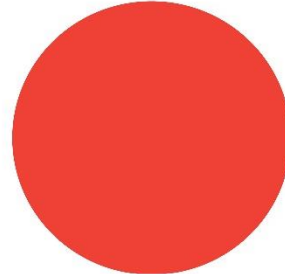
حقوق معلم ها بسیار مختلف است. تدریس نوع واحد درسی و دولتی یا خصوصی بودن مرکز آموزشگاهی بر میزان حقوق موثر است. اما نکته مهم این است که بصورت کلی حقوق معلم ها در مقایسه با سایر قشر های جامعه تفاوت چشم گیری ندارد و در حالت میانه است (نه زیاد نه کم) البته با توجه به اهمیت معیشت معلم این حقوق را می توان برای زندگی در شهرهایی مثل استانبول، آنکارا، ازمیر، بودروم و آنتالیا ناکافی دانست.

فرصت های شغلی برای معلم چیست؟

معلمان شاغل در بخش آموزش این امکان را دارند که در زمینه های مختلف با توجه به شاخه های مورد علاقه خود کار کنند. به طور کلی معلمان شاغل در مدارس می توانند به افراد ۴ تا ۱۸ ساله آموزش دهند. معلمانی که می خواهند در بخش دولتی کار کنند باید ابتدا امتیاز کافی را از KPSS سازماندهی شده توسط OSYM دریافت کنند و پس از آن می توانند به عنوان معلم فعالیت کنند. معلمانی که منصوب نمی شوند می توانند در مدارس خصوصی و موسسات آموزشی خصوصی شروع به کار کنند. افرادی که به تدریس دائمی ارجاع نمی شوند می توانند به تدریس قراردادی اقدام نمایند.

● محمدحسین جوادی

● مبینا ولاشجردی،
صبا علیجان طرقي



مسئولیت پذیری، حتی خارج از مدرسه

معلمان
مسئول رفتار اجتماعی
دانش آموزان

سرویس بین المل این بار به بررسی شیوه
جذب معلم و تحلیل کلی سیستم آموزشی
کشور ژاپن می پردازد.

آموزش و پرورش یکی از مهم ترین و
ضروری ترین سازمان های پیشرفت
هرکشور محسوب می شود لذا بسیاری از
کشورهای توسعه یافته اهمیت بسیار
زیادی برای آن قائل هستند و برنامه های
جدی برای فرایند جذب معلم در نظر
می گیرند. ژاپن تنها کشوری است که در
زمینه آموزش معلمان، اقدامات جدی
انجام داده است. در این کشور، برنامه
های تربیت معلم به وسیله کالج ها و
دانشگاه ها و با تصویب وزارت آموزش،
علوم و فرهنگ تهیه می شود.

دانشگاه ها و کالج ها برنامه درسی خود را
مطابق با برنامه ای درسی که توسط مرکز
ایجاد استانداردهای آموزشی تهیه می شود،
تدوین می کنند. بخشی از این مرکز که در
سال ۱۹۸۸ تأسیس شده است، وظیفه تهیه
جزئیات برنامه درسی معلمان و حداقل
واحدهایی را که باید در دانشگاه ها بگذرانند و
نیز حداقل واحدهای هر موضوع درسی را در
ارتباط با نوع گواهینامه ها به عهده دارد.
برای معلمان سه نوع گواهینامه وجود دارد:

۱. گواهی نامه عالی با فوق لیسانس
۲. گواهی نامه لیسانس برای دبیران
۳. گواهی نامه فوق دیپلم برای ابتدائی

معلمان مدرسه های ابتدایی، یک دوره دو
ساله را در کالج های تربیت معلم می گذرانند
و معلمان دبیرستان ها دوره ای چهارساله را
در دانشگاه ها طی می کنند. اکثر معلمان
دارای مدرک فوق دیپلم هستند و تقریباً ۷۵
درصد همه کالج ها و دانشگاه ها دوره
مخصوص تربیت معلم را دارند.
استانداردهای مخصوص تهیه شده توسط
وزارت آموزش و پرورش، ساعات و واحدهای
خاص موضوعی و واحدهای مربوط به تعلیم
و تربیت را مشخص کرده است. بیش تر
واحدهای مربوط به آموزش و پرورش، برای
دوره های پایین تر ارائه می شوند و افرادی که
قرار است در سطوح بالاتر تدریس کنند؛ لازم
است بیش تر واحدهای مربوط به موضوع
خاص رشته بگذرانند. معلمان آموزش دیده،
باید حداقل دو و حداکثر چهار هفته در
مدرسه محل زندگی خود به تمرین معلمی
پردازند. آن ها در پایان دوره، گواهینامه
دریافت می کنند.

کارورزی معلمان در مدارس خاصی انجام
می شود. آموزش های برنامه ریزی شده با
الگویی جدید به منظور افزایش توانایی های

معلمان صورت می‌گیرد که شامل چهار محور خود راهبری، خود آموزی، ابراز وجود، خودارزیابی و نیز تشریک مساعی معلمان با یکدیگر، با شاگرد و با والدین است. تجربه کردن، خود آموزی، پذیرش انتقاد و خود ارزیابی؛ مهم ترین بخش های فرایند آموزشی هستند. کارگاه های آموزشی در آخرین برنامه های دانشجو معلمان وجود دارد که در آن ها فعالیت های خودارزیابی و بهبود روش ها انجام می‌شود. انتظارات زیادی از معلمان ژاپنی وجود دارد. مسئولیت پذیری برای آنها بسیار مهم است که تنها محدود به ساعات مدرسه نمی‌شود و رفتار بیرون از مدرسه دانش آموزان را نیز در بر می‌گیرد. معلمان آنها را تشویق می‌کنند که شهروندانی خوب باشند. آنها اخلاق فردی و اجتماعی را از طریق برنامه درسی تلفیقی آموزش می‌دهند. همچنین به عنوان ناظر در باشگاه‌ها، تیم های ورزشی و سایر گروه‌ها شرکت می‌کنند. علاوه بر این، آنان مسئولیت های بسیاری در قبال سایر معلمان هم ردیف خود دارند و در فعالیت های گروهی مربوط به ارتقای روش های تدریس حرکت می‌کنند. در مقایسه با معلمان بسیاری از کشورهای اروپایی، معلمان در ژاپن منزوی نیستند. یک روز کار معلمی با ایجاد توازن بین آموزش به دانش آموزان و کار با دیگران صورت می‌گیرد. این امر برای پیشرفت و توسعه تدریس معلمان برنامه ریزی شده است. معلمان همچنین با گروهی دیگر از معلمان که موضوع مشابه آنان را تدریس می‌کنند، تشریک مساعی می‌کنند. پرورش حرفه ای معلمان به آنها فرصت می‌دهند که روش های تدریس یکدیگر را مقایسه کنند و روش های مختلف یادگیری را بیاموزند و توانایی های خود را ارتقا دهند. معلمان ژاپنی با بررسی محتوای آموزشی، سعی می‌کنند اهمیت آنچه را که باید

آموزش دهند را کشف کنند. معلمانی که برای دوره ابتدایی تربیت می‌شوند، می‌آموزند که به پرورش همه جنبه های شخصیت دانش آموزان کلاس اعتقاد داشته باشند و این احساس در آن ها تقویت می‌شود که وظیفه اصلی و مهم ترین مسئولیت آنان توجه به همه دانش آموزان است و نه صرفا دانش آموزان مستعد و توانا. معلمان در ژاپن بیشتر وقت خود را در مدرسه می‌گذرانند. به طور معمول یک معلم ژاپنی از ساعت ۳۰ : ۷ صبح تا ساعت ۶ بعد از ظهر در مدرسه است و معلمان جوان تر وقت بیشتری را در مدرسه سپری می‌کنند. آن ها در قبال همه این مسئولیت ها، در مقایسه با سایر کشورها و نیز نسبت به کارکنان مشاغل دیگر در ژاپن، از اعتبار و احترام بسیار بالایی برخوردار هستند.

یادگیری در طول زندگی

یکی از برنامه‌های مدارس ژاپن اجرای برنامه های یادگیری در همه زندگی است. در حقیقت یادگیری در تمام عمر به اندازه آموزش و پرورش رسمی اهمیت دارد. شعار آن‌ها این است که هر فرد در هر جا و هر زمان باید بیاموزد. ایجاد مراکز دانشگاهی مکاتبه‌ای، مدارس شبانه و دانشگاه سیما برای این منظور فعالیت می‌کند.

مهمترین ویژگی مردم ژاپن سخت کوشی، قناعت، نظم و روحیه همکاری و مشارکت آنهاست.

ژاپنی ها معمولاً در ارایه اطلاعات به یادگیرنده ها به فعالیت های بدنی، حسی و حرکتی توجه خاصی دارند.



استانداردهای مدارس ژاپن

کنند. مدارس ابتدایی برای انتخاب روپوش از حق انتخاب زیادی برخوردار هستند؛ زیرا مدل های گوناگونی برای دانش آموزان طراحی شده است تا هر مدرسه بتواند از روپوشی مخصوص به خود استفاده کند و این در حالی است که مدارس راهنمایی از یکدستی بیشتری برخوردار می باشند

مصاحبه ورودی

ورود به یک مدرسه مناسب برای بچه های ژاپنی یا والدین آنها خیلی مهم است. اگر دانش آموزان وارد مدارس ابتدایی مناسبی شوند، می توانند از سختی امتحان ورودی که سرنوشت آنها را تعیین می کند، خودداری کنند. در کل مدرسه سرنوشت دانشگاه و کار را تعیین می کند. برای کودکان و والدین آنها ضروری است که در مصاحبه ورودی، تصویری خوب و شایسته از خود نشان دهند. معاونت آموزشی مدارس به طور معمول پیش از شروع مصاحبه به والدین و دانش آموزان پیشنهاد می کند که چه لباسی بر تن کنند. حتی مراکزی وجود دارند که پیشنهاد می کنند دانش آموزان باید از چه مدهایی استفاده کنند.

بیشتر دانش آموزان ژاپنی به بهترین مدارس دولتی این کشور می روند. بخش خصوصی آموزش در این کشور کوچک است مگر در هنگامی که دانش آموزان خود را برای امتحان آماده کنند. ژاپن همانند امریکا یا برخی کشورهای اروپایی مشکلات اجتماعی چندانی ندارد که موجب شود دانش آموزان بخواهند از آموزش فرار کنند. بیشتر دانش آموزان انگلیسی تحصیلات خود را نیمه کاره رها می کنند. مدارس ژاپن استانداردهای بالایی دارند و حتی دانش آموزان خانواده هایی که درآمد کمی دارند، نتایج درسی خوبی به دست می آورند. برخی از منتقدان از فشار شدیدی که مدارس ژاپن به دانش آموزان وارد می کنند، انتقاد می کنند.

روپوش مدارس ژاپن

مدارس ژاپنی در پوشیدن روپوش از اختیار برخوردار هستند. دانش آموزان برخی مدارس دولتی روپوش به تن می کنند در حالیکه دانش آموزان برخی دیگر از مدارس روپوش به تن نمی کنند ولی تقریباً پوشیدن روپوش در همه مدارس خصوصی و دولتی این کشور ضروری است. در همین حال بیشتر مدارس این کشور با توجه به تغییرات آب و هوایی در هر فصل از یونیفورم های فصلی استفاده می



تغذیه در مدارس

زندگی آموزشی است. درعین حال ، فرهنگ مکتوب هنوز جایگاه خاص خود را دارد؛ اگرچه در سال‌های اخیر مردم پول بیشتری برای دستیابی به نرم افزارها و مدل‌های جدید تلفن همراه پرداخت می‌کنند و بازار کتاب تا حدودی راکد است ، ولی فرهنگ مکتوب همچنان موقعیت بالادست خود را حفظ کرده است. تقریباً همه مدارس ژاپن دارای مرکز و سایت رایانه ای هستند و به ازای هر ۱۵ نفر دانش آموز یک رایانه وجود دارد. هر معلمی رایانه شخصی دارد و همه کلاس‌ها رایانه دارند. تمام موسسات آموزشی به اینترنت متصل هستند.

تنوع کتاب‌های آموزشی

در ژاپن به علت تنوع شرایط اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی و با تأیید وزارت آموزش و پرورش این کشور، کتاب‌های درسی متعددی چاپ می‌شود. به عنوان مثال در ریاضیات پایه پنجم ابتدایی چندین کتاب وجود دارد. متناسب با وضعیت ، ساخت و بافت اقتصادی هر منطقه کتاب درسی آن محل انتخاب می‌شود.

تغذیه در مدارس این کشور براساس قانون تغذیه مدارس انجام می‌شود و دانش آموزان به درست غذا خوردن ، عادت می‌کنند و آداب لازم را هنگام غذا خوردن می‌آموزند. در بیشتر مدارس ابتدایی ، دوره اول و دوم دبیرستان ساعتی را برای غذا خوردن دانش آموزان اختصاص داده اند. هر گروه طبق برنامه مشخص به آشپزخانه می‌رود و مسئولیت توزیع غذا را به عهده می‌گیرد. پس از تقسیم غذا میان دیگر گروه‌ها، آن گروه نیز غذای خودشان را در کلاس درس و پشت همان میزها می‌خورند. هدف از این کار تقویت عادات اجتماعی و درونی کردن آنها در دانش آموزان است.

دانش آموزان از طریق تلویزیون هایی که در هر کلاسی وجود دارد و به استودیوی خبر مدرسه متصل است ، از اخبار مدرسه مطلع می‌شوند یا فیلم‌های پخش شده را نگاه می‌کنند. دانش آموزان در زمان مشخصی مسواک می‌زنند و بعد از پایان کلاس‌های مدرسه کاملاً به نظافت مدرسه می‌پردازند.

فناوری در مدارس ژاپن

ژاپن دومین کشور در استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات در زندگی ، از جمله



وضعیت امتحانات در مدارس

در مدارس ابتدایی ژاپن ، امتحانات ثلث و پایان سال وجود ندارد و سنجش پیشرفت تحصیلی در پایان مقطع ۶ ساله ابتدایی برگزار می شود. به این صورت هر دانش آموز سال اول ابتدایی به طور خودکار به کلاس دوم و بالاتر راه می یابد. ارزشیابی دانش آموزان طبق استانداردهای پذیرفته شده به طور مداوم و پیاپی انجام می گیرد . اگر دانش آموزی بخواهد پس از دوران ابتدایی به دوره اول دبیرستان راه یابد و خواهان آن باشد که در مدرسه بهتری پذیرفته شود، باید در امتحانات پایان دوره تحصیلی ابتدایی ، نمره های بالاتری کسب کند.

آمادگی برای ورود به دانشگاه

ژاپنی ها برای تحصیلات دانشگاهی ارزش بسیاری قائل هستند. در این کشور دو دانشگاه مشهور وجود دارد که دانش آموزان برای ورود به آنها نهایت تلاش خود را می کنند. دانشگاه های توکیو و کیوتو از بهترین دانشگاه های آسیا و جهان هستند. فارغ التحصیلان این دانشگاه از نظر کارفرمایان بخش خصوصی یا دولتی بهترین افراد برای استخدام در نظر گرفته می شوند. ورود به این دانشگاه ها مستلزم مطالعه

شدید در دوران دبیرستان و شرکت در آزمون ورودی بسیار دشواری است. امتحان نهایی دانشگاه ها بسیار سخت و به همین علت بسیاری از دانش آموزان ژاپنی در مراکز آموزشی فوق برنامه که به دانش آموزان برای ورود به دانشگاه کمک می کند شرکت می کنند. برخی از دانش آموزان ژاپنی که وضع والدین آنها خوب است آنها را برای تحصیل به خارج از کشور می فرستد. برای دانش آموزان ژاپنی انتخاب دبیرستان کار بسیار مهم و دشواری است. هر مدرسه امتحان ورودی خاص خود را دارد و چنانچه آنها در این امتحان قبول نشوند، آینده کاری و شغلی شان به خطر می افتد. در ژاپن ورود به دبیرستان و در نهایت دانشگاه بهتر یعنی تضمین آینده و یافتن شغل بهتر. به همین دلیل است که دانش آموزان ژاپنی پس از تعطیلی روزانه مدارس به آموزشگاه هایی خصوصی به نام «جوکو» می روند. رقابت در کنکور دانشگاه ، صرفا برای ورود به دانشگاه نیست. بلکه برای ورود به دانشگاه معتبرتر و با مرتبه بالاتر و رشته دلخواه است. دانشگاه ها در گزینش دانشجو به صورت مستقیم نقش دارند.»

خلاصه‌ای از سیستم آموزشی ژاپن

سیستم آموزشی ژاپن شامل دوره ۶ ساله ابتدایی، سه ساله متوسطه اول، سه ساله متوسطه دوم و چهار ساله دانشگاه است. آموزش اجباری ۹ ساله بوده و شامل ۶ سال ابتدایی و سه سال متوسطه اول است. سیستم مدارس مقطع ابتدایی ۶ ساله و سال تحصیلی سه دوره سه ماهه است. اولین دوره از اول آوریل تا ماه ژوئن بوده و سه ماهه دوم از ماه سپتامبر تا ماه دسامبر و سه ماهه سوم از ماه ژانویه تا ماه مارس است. تعطیلات تابستانی حدود ۴۰ روز بین اولین و دومین سه ماهه تحصیلی و تعطیلات زمستانی ۱۴ روز بین دومین و سومین سه ماهه تحصیلی و تعطیلات بهار نیز ۱۰ روز بین سه ماهه سوم و اول است. روزهای شنبه و یکشنبه نیز مدارس تعطیل هستند.

کلاس‌های درسی در ژاپن چگونه است؟

معمولا تخته سیاه در جلو و پشت کلاس قرار گرفته و میز و صندلی‌ها ردیفی هستند. محل نشستن ثابت بوده و معمولا تغییر نمی‌کند. داخل کلاس تابلو اعلانات برای اعلام و نمایش فعالیت دانش‌آموزان وجود دارد. از دیگر اجزای کلاس قفسه مربوط به کیف‌ها و دیگر وسایل دانش‌آموزان و تجهیزات شست‌وشوی کلاس است. کلاس‌ها با بلندگو برای سیستم پخش برنامه‌های مدرسه تجهیز شده و برخی کلاس‌ها دارای سیستم گرمایش و تهویه هوا، تلویزیون و دیگر لوازم تصویری هستند. معمولا تعداد دانش‌آموزان در یک کلاس کمتر از ۴۰ نفر است. کلاس درس با احترام و خوش آمدگویی به معلم آغاز شده و سپس معلم اشکالات مربوط به درس گذشته دانش‌آموزان را پاسخ می‌دهد. اولین دانش‌آموزی که اشکال خود را رفع کند، معلم دانش‌آموز بعدی برای رفع اشکال خواهد بود! با این روش، دانش‌آموزان از سوال پرسیدن خجالت نمی‌کشند و برای رفع اشکالاتشان ترغیب می‌شوند. به نظر معلمان ژاپنی، تدریس معلم به تنهایی و بصورت معلم‌محور موجب کاهش یادگیری و یکنواخت بودن کلاس درس خواهد شد اما بحث با دانش‌آموزان و کمک گرفتن از آنان در تدریس موجب تحریک شدن دانش‌آموزان و آموزش بهتر خواهد شد. تقریبا تمام دانش‌آموزان ابتدایی در مدرسه ناهار می‌خورند و هزینه آن به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم توسط دولت تامین می‌شود، البته این برنامه کاملا رایگان نیست. وعده‌های غذایی معمولا شامل نان یا برنج و شیر است. غذا با معلم در کلاس درس است و صرف ناهار فرصتی را برای آموزش تغذیه، سلامت، عادات غذایی مناسب و رفتار اجتماعی فراهم می‌کند. بخصوص که اغلب دانش‌آموزان نیز مسئول خدمات ناهار و تمیز کردن هستند. بنابراین ناهار مدرسه نیز یک ابزار آموزشی مهم است. کلاس درس دانش‌آموزان ساده و بزرگ است و آنها برای دروس مختلف از کلاسی به کلاس دیگر منتقل نمی‌شوند، در کلاس خود حضور دارند و معلمان موضوعات مختلف را به آنان آموزش می‌دهند. البته برخی کلاس‌ها مانند کلاس اقتصاد، موسیقی، کلاس‌های علمی خاص و یا هر موضوعی که نیاز به میز بیشتر دارد برای یادگیری تغییر می‌کند. البته این سیستم دارای مزایا و معایبی نیز است، اما نتیجه نهایی آن تعلق خاطر دانش‌آموز به کلاس خود و مدرسه بوده و در واقع هم‌کلاسی‌ها مانند خانواده و محیط مدرسه مانند خانه آنان خواهد بود. آموزش‌های منزل کودکان ژاپنی: معلمان مدارس ابتدایی روزانه با تدریس خود به بچه‌ها آموزش می‌دهند که عادت‌های مطالعه خوب را در خانه انجام دهند. کودکان هر روز تکالیف درسی خود را بر اساس موضوع آموزشی انجام می‌دهند اما تکالیف آنان



متفاوت است و ممکن است شامل کار در منزل مانند شستن کفش‌ها و یا مرتب کردن لوازم شخصی باشد. برای زمان تعطیل نیز تمامی فعالیت دانش‌آموزان تحقیقی و به صورت گزارش در کلاس ارائه می‌شود.

مختلف است و ممکن است شامل کار در منزل مانند شستن کفش‌ها و یا مرتب کردن لوازم شخصی باشد. برای زمان تعطیل نیز تمامی فعالیت دانش‌آموزان تحقیقی و به صورت گزارش در کلاس ارائه می‌شود.

وظایف و سازماندهی دانش‌آموزان ژاپنی

در مدارس ژاپنی، هر کلاس به چند گروه پنج یا ۶ نفره تقسیم می‌شود و دانش‌آموزان در این گروه‌ها فعالیت‌های گروهی از جمله مطالعه گروهی در طول کلاس‌ها، تمیز کردن کلاس، خدمات ناهار و غیره دارند. آن‌ها معمولاً به گروه کار کوچک سازماندهی می‌شوند و کارکردهای علمی و انضباطی دارند. نظم و انضباط نیز در مدارس ابتدایی ژاپن بسیار اهمیت دارد و لباس و عملکرد دانش‌آموز در کلاس کنترل می‌شود. کودکان در سراسر دنیا حدود ۲۶ تا ۳۳ حرف یاد می‌گیرند، اما کودکان ژاپنی ۱۰۰۶ حرف kanji را آموزش می‌بینند و تا سن ۱۶ سالگی و بعد از اتمام دوران تحصیل اجباری ۱۱۳۰ حرف را فرا می‌گیرند. Kanji دو نوع الگوی آوایی hiragana و katakana دارد که هر یک حدود ۴۶ حرف با هجا شامل حروف صامت و صدا دار دارند. آموزش ترکیب خاص نقاط و تغییر در علامت‌گذاری صداها برای بیان صداها در زبان امروزی ژاپن ضروری است. hiragana و kanji در کلمات معمول ژاپنی استفاده می‌شود و

کودکان طی ۶ سال دوره ابتدایی الفبای ژاپنی و دیگر موارد مورد نیاز برای ادامه تحصیل را آموزش می‌بینند و در دوره‌های بعدی آموزشی در مقاطع بعد زبان‌های دیگر را فرا گرفته که موقعیتی برای ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر در دیگر کشورها ایجاد می‌شود. کودکان در دوره ابتدایی دروس روزانه kokugo و حدود ۱۰۰۰ رسم الخط ژاپنی kanji را آموزش می‌بینند که برای ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر در ژاپن ضروری است. البته برای افرادی که قصد ادامه تحصیل در دانشگاه‌های خارج از ژاپن را دارند آموزش در مدارس ابتدایی بین‌المللی گزینه مناسب‌تری خواهد بود.

واقعیت‌های جالب در مورد سیستم آموزشی ژاپن

سیستم آموزشی ژاپن از موفق‌ترین سیستم‌های آموزشی دنیا است به طوری که هیچ فرد بی‌سوادی در این کشور وجود ندارد. دانش‌آموزان دبیرستانی ملزم به پوشیدن لباس فرم هستند. ناهار در مدارس ابتدایی و دبیرستان عمومی در منوی استاندارد تهیه

شده و در کلاس درس صرف می‌شود. به این ترتیب، دانش آموزان و معلمان می‌توانند روابط بهتری در هنگام غذا خوردن با یکدیگر داشته باشند. دانش آموزان در ژاپن در کلاس‌های خود به موقع حاضر شده و غیبت ندارند. آن‌ها احساس تعلق خاطر به مدرسه دارند و هرگز احساس ناخوشایند و دوست نداشتن ندارند. بر اساس آمار ۸۵ درصد دانش آموزان در ژاپن در مدرسه احساس خوشحالی دارند و حدود ۹۱ درصد از دانش آموزان ژاپنی گزارش دادند که هرگز سخنان آموزگاران را در طول زندگی خود نادیده نگرفته‌اند. دانش آموزان به طور متوسط ۲۳۵ دقیقه در هفته کلاس ریاضی (به طور متوسط در کشورهای دیگر دقیقه ۲۱۸) دارند و کلاس‌های زبان و علوم کمتر از ۲۰۵ و ۱۶۵ دقیقه در هر هفته (در سایر کشورها میانگین ۲۱۵ و ۲۰۰ دقیقه) است. تعداد زیادی از دانش آموزان ژاپنی بعد از مدرسه در کارگاه‌های آموزشی شرکت می‌کنند تا بتوانند مهارت‌های بیشتری یاد بگیرند و بعضی از این کارگاه‌ها در خانه یا محل دیگری غیر از مدرسه برگزار می‌شود. آموزش ابتدایی برای ژاپن بسیار مهم است. تحقیقات نشان

می‌دهد دانش آموزانی که در دوره پیش دبستانی مشغول به تحصیل هستند در سن ۱۵ سالگی عملکرد آموزشی بهتری دارند. بنابراین تعجب ندارد که ۹۹ درصد کودکان ژاپنی آموزش‌های پیش دبستانی را فرا می‌گیرند. دانش آموزان ژاپنی تقریباً هرگز در کلاس‌های دوره ابتدایی، متوسطه اول یا متوسطه دوم مردود نمی‌شوند. سال تحصیلی حداقل ۲۱۰ روز قانونی دارد، اما بیشتر شوراهای مدارس محلی برای جشنواره‌های مدرسه، جلسات ورزشی و مراسم با اهداف آموزشی غیر آکادمیک، به ویژه برای تشویق همکاری با مدرسه حدود ۳۰ روز دیگر به این میزان اضافه می‌کنند که در نتیجه با توجه به زمان اختصاص داده شده به این فعالیت‌ها و نیم روز مدرسه در روز شنبه تعداد روزهای اختصاص داده شده به آموزش حدود ۱۹۵ روز در سال است. تقریباً تمام مدارس دارای سیستم دسترسی به متخصصان بهداشت هستند. همچنین تقریباً ۹۰ درصد مجموعه ورزشی و ۷۵ درصد آنها دارای استخر شنا هستند. در کشور ژاپن اتوبوس‌های مدرسه وجود ندارد و دانش آموزان مسیر منزل تا مدرسه را با پیاده‌روی و دوچرخه‌سواری طی می‌کنند. هر دانش آموز در مدرسه دارای

قفسه‌ای برای کفش در ورودی مدرسه است و کتاب‌ها و دیگر لوازم دانش آموز در کلاس همراه وی است. علاوه بر کفش‌های معمولی دانش آموزان در مدرسه به یک جفت کفش ورزشی نیز نیاز دارند. دانش آموز قبل از ورود به مدرسه به دلیل طولانی بودن زمان مدرسه (هشت ساعت) باید کفش‌های خود هنگام ورود با یک جفت کفش راحتی تعویض کند. مدارس ژاپن سرایدار ندارند و خود دانش آموزان ساختمان مدرسه را تمیز می‌کنند و زمان خاصی به این امر اختصاص داده شده است. در زمان این فعالیت موسیقی نواخته می‌شود تا احساس خوبی در دانش آموزان ایجاد شود. این روش تجربه خوبی برای آموختن مسئولیت در کودکان ایجاد خواهد کرد. مدارس ژاپن دو جشنواره اصلی طی سال تحصیلی دارند که شامل جشنواره ورزشی و جشنواره فرهنگی است. جشنواره ورزشی در اواخر تابستان برگزار می‌شود و یک‌روزه و یا دو روزه است. این مسابقات شامل دو استقامت، پرش و سایر رویدادهای دیگر و فرصتی عالی برای رقابت و پیوستگی گروهی است. جشنواره فرهنگی نیز رویدادی با هدف استفاده از نتایج یادگیری روزانه برای افزایش

انگیزه است. همچنین با نام نمایشگاه زندگی روزانه، نمایشگاه یادگیری و جشنواره مدرسه شناخته می‌شود. همچنین تجهیزات گرمایی و سرمایشی مدارس ژاپن با دیگر کشورها متفاوت است. واحدهای گرمایش و خنک‌کننده در اتاق معلمان شاید وجود داشته باشد البته به معنای خاص بودن آسایش نیست. مدارس به طور کلی اجازه استفاده از AC را تا اول ژوئیه ندارند. این شرایط از سال ۲۰۰۵ برای کاهش میزان مصرف برق در ژاپن در تابستان اجرا شده است. استفاده از وسیله گرمایشی نیز در هر کلاس درس به شکل چراغ نفتی است و نیازمند باز کردن پنجره‌هاست و هدف از این پنجره باز کاهش عوامل بیماری‌زا، میکروب‌های سرماخوردگی و آنفلوآنزای خونی است.

راز موفقیت کودکان ژاپنی چیست؟

هر چند انتقادات زیادی به سیستم آموزشی ژاپن وارد شده است، اما برخی از کشورهای اروپایی نیز از این سیستم پیروی می‌کنند اما چرا کودکان ژاپنی موفق هستند؟ اصلی‌ترین عامل در این مورد وابستگی مادر و فرزند از بدو تولد است و چگونگی پرورش و آموزش کودکان ژاپنی توسط مادر تا ورود به مقطع تحصیلی است. در تحقیقات صورت گرفته مشخص شده بسیاری از کودکان در سن مدرسه بسیار دلیر، کنجکاو و خودکفا بوده و مهارت‌های غیرشناختی در آنان ارتقا یافته است، در نتیجه این خصوصیات اخلاقی به اجتماعی شدن کودکان کمک کرده و از یاس و ناامیدی پیشگیری می‌کند. از دیگر ویژگی‌های برجسته سیستم آموزشی ژاپن کاهش استرس دانش‌آموزان و افزایش احساس شادی در آنان است. افزایش مهارت‌های غیرشناختی مانند پشتکار، خودکنترلی، کنجکاوی، دیانت و اعتماد به نفس نیز موجب می‌شود کودک ژاپنی بیش از ۱۰ ساعت در هفته تمرین ریاضی داشته باشد و از تکالیف خود خسته نشود و احساس نارضایتی نکند. پس دلایل موفقیت به IQ بالا ربطی ندارد و مهارت‌های غیرشناختی راز موفقیت است. از دیگر موارد سیستم آموزشی ژاپن "هویت گروهی" است. یعنی شما با کلاس خود همراه هستید و با کلاس خود فارغ‌التحصیل می‌شوید و هیچ تبعیضی بین دانش‌آموزان وجود ندارد. طی سال‌های تحصیلی از مهدکودک تا دانشگاه ژاپنی‌ها خوشحال و سالم هستند.



آموزش در آلمان

آموزش برای همه!

سرویس بین الملل فرهنگراه به بررسی لوايح آموزشی در آموزش و پرورش آلمان می پردازد.

کشور آلمان دارای یکی از گسترده ترین مدارس و سیستم های دانشگاهی در جهان است. نظام آموزشی این کشور متنوع، چندوجهی و متناسب با ویژگی ها و توانمندی های آنهاست. برخی افراد از طریق آموزش و پرورش مرسوم و مبتنی بر کلاس درس برای تحصیل در مؤسسات آموزش عالی آماده می شوند و برخی دیگر از آموزش های فنی و حرفه ای یعنی آموزش برای یادگیری حرفه همراه با آموزش در کلاس درس بهره می گیرند، و در پایان این نوع آموزش و پرورش، فارغ التحصیلان به نیروی کار دارای مهارت های مفید و حرفه ای تبدیل می شوند. گروهی دیگر ممکن است ترکیبی از دو شیوه فوق را انجام دهند. در مدارس آلمان غالباً به صورت همگانی است. سیستم همگانی به سه سطح عمومی تقسیم می شود: ابتدایی، متوسطه و آموزش عالی. در چنین نظام همگانی، مدارس خاصی برای دانش آموزان دارای ناتوانی نیز وجود دارد. اگرچه مراکز آموزش خصوصی نیز در آلمان وجود دارند، اما نقش آنها تنها یک نقش حمایتی است.



حوزه های آموزشی آلمان شامل آموزش پیش دبستانی، آموزش ابتدایی، آموزش متوسطه سطح بالا و پایین، آموزش عالی، آموزش مداوم و آموزش استثنایی است. حکم آموزشی در آلمان تحصیل اجباری از ۶ سالگی آغاز می شود و معمولاً ۱۲ سال طول می کشد. در طول این ۱۲ سال تحصیلی که حداقل ۹ سال آن تمام وقت می باشد، دانش آموزانی که تحصیل آنها را به صورت تمام وقت ادامه ندهند بعد از ۹ سال باید در مدارس حضور یابند که دارای ۳ سال برنامه پاره وقت حرفه ای باشد، البته در برخی ایالت ها نیازمند ۱۰ سال حضور تمام وقت و تحصیل اجباری می باشد. بنابراین تحصیلات اجباری در این ایالت ها ۱۳ سال طول می کشد.

● هانیه علی قارداشی



فقر در جهان پایان

می یابد!

وعده رهبران به کشورهای
توسعه نیافته

تحلیل اولین هدف توسعه پایا تحت عنوان دنیای
بدون فقر در سند ۲۰۳۰

در سال ۲۰۱۵ روسای بلندپایه سازمان ملل متحد گرد هم آمدند و دستور کاری را برای توسعه جهانیان با قالب های فرهنگی متفاوت که به صورت یکسان برای آنها طراحی شده بود، تصویب کردند تا به اهدافی نظیر ریشه کن کردن فقر در همه اشکال آن دست یابند. به گفته بان کی مون دبیر کل سازمان ملل متحد، این دستورکار وعده هایی است که توسط رهبران به مردم سراسرجهان داده شده تا به فقر در کره زمین در هر کجا که باشد، پایان دهد. این سند، جهانی عاری از فقر، تبعیض، ظلم و بیکاری را توصیف می کند و تحقق دنیایی آرمانی را در چشم انداز اجرای آن تصویر می کشد ولی فرای بحث اهداف و آنچه باید روی دهد، در هیچ جای این سند به علت اصلی توسعه نیافتگی کشورها اشاره ای نشده و این بحران را به عوامل درونی یک کشور نسبت داده است. در هیچ جای سند به نقش مخرب کشورهای توسعه یافته در استعمار، استثمار و غارت منابع کشورهای دیگر، ممانعت از داشتن استقلال سیاسی و اقتصادی اشاره ای نشده و این عوامل موثر بر فقر جهانی را نادیده گرفته و تنها بر برابری منابع داخلی جهت استفاده و رسیدن به توسعه پایا اشاره می کند. چهل کشور از ثروتمندترین های جهان در مقابل چهل کشور از فقیرترین های دنیا، ۹۵ درصد از تولید ناخالص ملی را تشکیل می دهند و این یک نمونه آشکار نابرابری در مقیاس جهانی می باشد. این سند که بر تحقق حقوق بشر تاکید موکد می کند از عناصر و حقوق فرهنگی و اجتماعی سخنی نمی گوید و بیشتر اهدافی که در آن ذکر شده جنبه سیاسی دارند و به دنبال بسط ارزش هایی فرای فرهنگ بومی کشورها هستند. جهت تحقق ریشه کنی فقر هیچ راهکاری برای عملی شدن آن ارائه نشده و بیشتر در حال زمینه سازی برای کنترل کشور های درحال توسعه هستند که نتیجه آن، دسترسی به داده های آماری کشورها، از نمونه کنترلگری و

بسط سلطه می باشد. محتوای این سند ظاهراً به دنبال حمایت و یاری رساندن به جهانیان است که با بررسی موشکافانه، علارغم ظاهر بی طرفانه اش با هدف توسعه تک بعدی و به دنبال آن گسترش آسیب های اجتماعی، فرهنگی طراحی شده است در نتیجه با اجرایی شدن آن یکپارچگی با محوریت نظام لیبرال اتفاق می افتد.

● حدیثه صفاری

اقتصادی



پول نداریم! چه کسی مقصر کمبود بودجه است؟

سرویس اقتصادی به ریشه یابی علت کسری بودجه در سازمان آموزش و پرورش می پردازد.

دستگاه تعلیم و تربیت، زیربنایی ترین دستگاه دولت است؛ چرا که تعلیم و تربیت آینده سازان کشور را بر عهده دارد؛ بر همین اساس اختصاص بودجه مناسب برای این دستگاه حائز اهمیت است. کسری بودجه در آموزش و پرورش موضوعی است که تقریباً همواره مطرح بوده و گویا تمامی هم ندارد اما آن جایی این موضوع اهمیت پیدا می کند که کاهش بودجه مربوط به توسعه عدالت آموزشی است که در نهایت منجر به تعمیق نابرابری آموزشی بین دانش آموزان شده و مدارس دولتی را از کیفیت آموزشی دورتر می کند! اما بد نیست بررسی کنیم که در این کمبود بودجه مقصر چه کسانی هستند؟ شاید واقعا بودجه مناسبی وجود دارد اما مدیریت نامناسب باعث این وضع میشود یا واقعا بودجه اختصاص یافته کم است؟ بد نیست ابتدا نگاهی به بودجه امسال بندازیم و کمی آن را بررسی کنیم.

وزارت آموزش و پرورش سومین اما کمترین!

وزارت آموزش و پرورش در رتبه سوم وزارتخانه های دارای بالاترین میزان بودجه با اعتباری بالغ بر ۲۰۶ هزار میلیارد تومان است اما با توجه به گستردگی و تعداد بالای پرسنل این نهاد آموزشی در کشور، این دستگاه در بین پایین ترین سطوح حقوقی قرار دارد و معلمان همواره از حقوق خود ناراضی هستند. همانطور که در ردیف های بودجه این وزارتخانه آمده است، بیش از ۱۸۱ هزار میلیارد تومان یعنی بالغ بر ۸۷ درصد آن سهم ادارات آموزش و پرورش استان ها است. شاید از نگاه آماری این که آموزش و پرورش سومین رتبه را از لحاظ بودجه دریافتی دارد همه چیز خوب و ایده آل به نظر برسد اما وقتی به مبلغ اختصاص یافته به آن و وسیع بودن این وزارت خانه نگاه میکنیم، این مبلغ اصلا زیاد و حتی کافی نیست. آن هم برای وزارت خانه ای که هر ساله به مشکلات آن اضافه می شود و به قول معروف چاله چوله های زیادی دارد که با این پول ها جبران نمی شوند! موردی که در بودجه به چشم می خورد سهم قابل توجه سازمان هایی خاص هستند.



بودجه ۱۱ هزار میلیاردی صدا و سیما!

سازمان صدا و سیما یکی دیگر از سازمان غیر دولتی است که درآمد بالایی از محل تبلیغات و سایر برنامه‌های اسپانسری و بازرگانی دارد اما هر ساله بودجه این سازمان

بیشتر و بیشتر می‌شود. امسال دولت برای این مجموعه بیش از ۱۱ هزار میلیارد تومان تعیین کرده است. سوالی که این جا مطرح می‌شود این است که چرا باید ارگانی که مبلغ بسیار گزافی را از راه‌هایی مثل تبلیغات و اسپانسرینگ جذب می‌کند اما همچنین بودجه قابل توجهی می‌گیرد.

بهزیستی با بودجه مستقل از وزارت تعاون!

سازمان بهزیستی بودجه‌ای بالغ بر ۱۸ هزار میلیارد تومان را به خود اختصاص داده است. اما نکته عجیب این است که با وجود اینکه



سازمان بهزیستی یکی از زیر مجموعه‌های وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی بوده و رئیس آن با حکم وزیر تعاون منصوب می‌شود اما ردیف بودجه مستقلی دارد! این‌ها فقط مواردی از نکات عجیب در بودجه امسال هستند که البته هر سال همین روال وجود داشته و چیز جدیدی نیست! موضوع قابل بحث این است که آیا واقعا نمی‌توان به جای اختصاص بودجه به ارگان‌هایی از این قبیل، سهم آن‌ها را کمتر کرد و به آموزش و پرورش اختصاص داد تا از کمبود بودجه و نابسامانی که بخش مهمی از آن به خاطر کمبود منابع مالی است، نجات پیدا کند؟ اگر از بخش آماری و کمبود بودجه اختصاص یافته بگذریم به مدیریت می‌رسم؛ درست است که بودجه این وزارت خانه محدود و کم است اما مدیریت درست همین منابع هم نقش بسیار مهمی دارد. در واقع موضوع کمبود بودجه مربوط به امسال و پارسال نیست بلکه سالیان سال است که مطرح است و گویا عزمی هم برای تغییر آن وجود ندارد. اما این جاست که نقش مدیریت درست میتواند خودش را نشان دهد.

حالا منظور از مدیریت درست چیست؟

مدیریت درست یک بخش آن مربوط به برنامه ریزی مناسب برای استفاده اصولی از بودجه است. بخش دیگر آن که مورد غفلت قرار گرفته اقداماتی است که مدیران می توانند انجام دهند تا این کمبود بودجه را جبران کنند. بگذارید بیش تر توضیح بدهم؛ برای مثال آموزش و پرورش تعداد زیادی ملک در نقاط مختلف کشور دارد که بررسی تعداد و ارزش آن ها خود نیازمند بحثی جداگانه است اما موضوعی که این جا مطرح است این است که از همین موارد فوق چه درآمد های عظیمی که نمیتوان ایجاد کرد که فقط نیازمند یک مدیریت با برنامه و خلاق است تا از این ملک های بی استفاده و راکد پول در بیاورد. برای مثال معلمان و کادر مدرسه که جمعیت قابل توجه ای هم دارند می توانند به رستوران ها و اقامتگاه هایی بروند که مخصوص آن ها است و مبلغ کمتری بپردازند.

● امیرحسین صیدی

مروری بر بودجه آموزش و پرورش،

بازهم جای خالی اعتبارات عمرانی

و پرورش با کسری مصوب شده باشد، می توان استدلال کرد اعتبارات مندرج در لایحه سال آینده نیز عملاً رشدی نداشته و حتی تورم سالیانه را پوشش نمی دهد.» این چکیده ای از گزارش دبیرخانه مقابله با فقر و نابرابری آموزشی است که بودجه آموزش و پرورش را از دو منظر تغییر در اعتبارات اختصاص یافته و تغییر در طبقه بندی بودجه مورد نقد و بررسی قرار داده است. این دبیرخانه براساس تحلیل پژوهشگران حوزه سیاست گذاری اجتماعی به موارد مهمی در گزارش پیش رو اشاره کرده که از نظر می گذرانید.

سرویس اقتصادی به دنبال شفاف سازی اعتبارات بودجه آموزش و پرورش می پردازد.

«بودجه آموزش و پرورش در امسال با رشدی حدود ۲۱ درصدی، در مقایسه با اعتبار مصوب سال ۱۴۰۱ به حدود ۲۳۹ هزار میلیارد تومان رسیده که این رقم معادل حدود ۱۱ درصد بودجه عمومی دولت است. نکته حائز اهمیت این است که تقریباً در سه دهه اخیر، عملکرد اعتبارات آموزش و پرورش همواره بیش از اعتبارات مصوب بوده و این بدین معنا است که اعتبارات مصوب این وزارتخانه طی این سالها با کسری همراه بوده است. با این توضیح، اگر در سال ۱۴۰۱ نیز بودجه آموزش



در حد اطلاعاتی که تاکنون از لایحه بودجه منتشر شده، به نظر می‌رسد برخی دستگاهها و برنامه‌هایی که سنخیت یکسانی ندارند با هم ادغام شده‌اند و این موضوع شفافیت بودجه را به ویژه در دوره اجرا مخدوش می‌کند و نظارت پذیری بودجه را نیز به حداقل می‌رساند. براساس ارقام لایحه، بودجه آموزش و پرورش، (مجموع اعتبارات مندرج در جداول ۷ و ۹) نسبت به سال ۱۴۰۱ حدود ۴۲ هزار میلیارد تومان افزایش یافته است. در بین ردیف‌های زیر مجموعه وزارت آموزش و پرورش، بودجه ادارات استانی حدود ۷۶ هزار میلیارد تومان افزایش یافته است، که بخش عمده آن اعتبارات مربوط به رتبه بندی معلمان است که از جدول ۹ (اعتبارات متفرقه) به جدول ۷ منتقل شده است. اعتبارات این ردیف به میزان ۳۸۰۰۰ میلیارد تومان در جدول ۹ بودجه سال ۱۴۰۱ درج شده بود، که در لایحه ۱۴۰۲ از این جدول حذف شده و در جدول ۷ لحاظ شده است. در اعتبارات عمرانی آموزش و پرورش نیز با توجه به تورم شدید در اقلام مربوط به ساخت و ساز و تخصیص پایین اعتبارات

عمرانی در ۹ ماه سال ۱۴۰۱ به قیمت ثابت، عملاً افزایش اعتباری رخ نداده است. نکته مهم دیگر درباره اعتبارات عمرانی آموزش از محل منابع عمومی این است که بیش از ۶۰ درصد این اعتبارات مربوط به برنامه ارتقای مشارکت خیرین و منوط به تحقق منابع تعهد شده از سوی خیرین است. طی سال‌های اخیر، منابع بیشتری از بودجه عمرانی آموزش به این برنامه اختصاص یافته است.

مروری بر بودجه

آموزش و پرورش در

لایحه بودجه ۱۴۰۲

منابع بودجه عمومی دولت در سال ۱۴۰۲ حدود ۲۱۶۴ هزار میلیارد تومان است که نسبت به رقم ۱۵۲۷ هزار میلیارد تومان اعتبارات سال ۱۴۰۱ حدود ۴۱٫۷ درصد افزایش یافته است. در سال ۱۴۰۱ از مجموع منابع عمومی دولت حدود ۱۸٫۶ درصد سهم اعتبارات عمرانی و ۷۱٫۶ درصد سهم اعتبارات هزینه‌ای و مابقی سهم تملک دارایی‌های مالی بوده است. این نسبت‌ها در سال ۱۴۰۲ به ترتیب به ۱۶٫۵ درصد، ۷۳٫۳ درصد و ۱۰٫۱ درصد رسیده است.

اگر مصارف دولت از محل درآمدهای اختصاصی نیز به این ارقام اضافه شود، سهم اعتبارات هزینه‌ای از مصارف بودجه عمومی دولت به حدود ۷۵ درصد می‌رسد. در بخش درآمدهای دولت، افزایش درآمدهای زیر قابل توجه است:

● افزایش درآمدهای مالیاتی ۴۷ درصد؛ از ۵۶۱ هزار به ۸۲۶ هزار میلیارد تومان

● افزایش حاصل از فروش اموال منقول و غیرمنقول ۲۳۷ درصد؛ از ۳۲ هزار به ۱۰۸ هزار میلیارد تومان

● افزایش حاصل از فروش اوراق قرضه حدود ۸۰ درصد؛ از ۱۰۳ هزار به ۱۸۵ هزار میلیارد تومان

در سال ۱۴۰۲ سهم آموزش و پرورش حدود ۲۳۹ هزار میلیارد تومان (با احتساب ارقام جدول ۹- اعتبارات متفرقه)؛ معادل ۱۱ درصد منابع بودجه عمومی است. اعتبارات پیش‌بینی شده برای سال ۱۴۰۲ حدود ۲۱ درصد بیش از اعتبارات مصوب سال ۱۴۰۱ است؛ البته بدون لحاظ کسری سال جاری وزارت آموزش و پرورش. از مجموع اعتبارات آموزش و پرورش حدود ۲۲۴۰۰۰ میلیارد تومان اعتبارات هزینه‌ای و ۱۵۰۰۰ میلیارد تومان اعتبارات عمرانی است. از کل منابع این وزارتخانه حدود ۳۲۰۰ میلیارد تومان از محل درآمدهای اختصاصی برآورد شده است.

در تبصره های لایحه بودجه تنها سه بند به طور مشخص مربوط به آموزش و پرورش است که عبارت اند از:

● لغو معافیت های مالیاتی مؤسسات آموزشی از جمله مؤسسات کنکور و انتشارات کمک آموزشی (بند «ث» تبصره ۶)

● معافی

مدارس دولتی از پرداخت

هزینه های برق، گاز و آب در صورت رعایت الگوی مصرف (بند «ض» تبصره ۶)

● سهم ۴۰ درصدی آموزش و پرورش از ۲۷/۰ درصد از کل ۹ درصد مالیات بر ارزش افزوده برای توسعه ورزش مدارس (بند «ظ» تبصره ۶)

در جدول شماره ۷ لایحه بودجه، اعتبارات هر وزارتخانه به تفکیک دستگاههای زیرمجموعه آن ارائه می شود که تصویری کلی از برنامه های وزارتخانه نیز به دست می دهد. نکته قابل تأمل این است که امکان مقایسه سالانه و نوسانات مداوم در برنامه ها و ردیف های بودجه ای طی سال های اخیر عملاً ردیابی برنامه ها را دشوار کرده است. برای مثال، در قانون بودجه سال ۱۴۰۰ اعتبارات وزارت آموزش و پرورش در قالب ۲۷ دستگاه/برنامه تنظیم شده بود و در قالب پیوست ۴ می شد جزئیات بیشتری از برنامه ها/فعالیت ها (بیش از ۳۰۰ ردیف) را بررسی کرد. این در حالی است که در سال ۱۴۰۱ از یک سو پیوست ۴ به طور کامل حذف شد و از سوی دیگر کل اعتبارات صرفاً در قالب اعتبارات وزارت آموزش و پرورش، (جدول ۷- صفحه ۱۲۹) و سپس در جدول ۱-۷ صفحه ۱۵۹ در قالب سه دستگاه وزارت، دانشگاه شهید رجایی و دانشگاه فرهنگیان تفکیک شده است. اعتبارات از محل تبصره ۱۴ نیز در جدول ۱-۲۴ صفحه ۲۰۷ آمده است. اما در سال ۱۴۰۲ کل اعتبارات در قالب ۱۸ دستگاه/برنامه ذیل وزارت آموزش و پرورش آمده است که در مقایسه با سال ۱۴۰۰، ۹ دستگاه-برنامه در هم ادغام شده است. اعمال چنین تغییراتی باید در بررسی روند اعتبارات دستگاه نیز مدنظر باشد.

برای مثال، در جدول ۷ لایحه بودجه همچون سال های گذشته عملکرد دو سال قبل (۱۴۰۰) و مصوب سال قبل (۱۴۰۰) نیز آمده است. اما باید دقت داشت که در این جدول اعتبارات مصوب سال ۱۴۰۱ صرفاً از «منابع عمومی» ذکر شده است. به عنوان مثال این رقم برای وزارت آموزش و پرورش حدود ۱۱۵۰۰۰ میلیارد تومان است، درحالی که اعتبارات وزارت آموزش و پرورش با احتساب اعتبارات اختصاصی از تبصره ۱۴ (جدول شماره ۷ قانون بودجه ۱۴۰۱- صفحه ۱۲۹) معادل ۱۴۰۷۷۷ میلیارد تومان بوده است.



با این حساب، مجموع اعتبارات هزینه ای و عمرانی این وزارتخانه در لایحه ۱۴۰۲ نسبت به سال ۱۴۰۱ حدود ۲۱ درصد افزایش یافته است. باید توجه داشت که اعتبارات آموزش و پرورش هر سال با کسری بالایی (در برخی سالها تا ۳۰ درصد) مصوب می شود. این وضعیت از یک سو نشان می دهد نسبتا هزینه های دولت در لایحه کمتر از واقع برآورد می شود و از سوی دیگر فشار زیادی را بر مدیریت نظام آموزشی کشور برای تأمین کسری در طول سال مالی ایجاد می کند. از آنجا که در برخی سال ها تا ۹۸ درصد بودجه آموزش و پرورش مربوط به هزینه های پرسنلی است، این میزان کسری بیشترین فشار را بر نیروی انسانی وارد می کند.

چند روز پس از ارائه لایحه بودجه به مجلس، سازمان برنامه و بودجه متن دیگری را با عنوان «اطلاعات تکمیلی لایحه بودجه سال ۱۴۰۲» منتشر کرد که اطلاعاتی از فعالیت های ذیل دستگاه های اجرایی را شامل می شود. براساس مجموع مستنداتی که از برآوردهای بودجه ۱۴۰۲ منتشر شده است، درباره اعتبارات وزارت آموزش و پرورش موارد ذیل قابل ذکر است:

۱

در سال های اخیر بخشی از منابع عمرانی حوزه آموزش - سازمان نوسازی مدارس ذیل برنامه ارتقای مشارکت خیرین اختصاص می یابد. شاخصی که برای این برنامه تعریف شده «نسبت منابع تحقق یافته [خیرین] به منابع تعهدشده» است. به بیان ساده می توان اینگونه گفت که بخشی از منابع عمرانی حوزه آموزش (مندرج در جدول ۷) منوط به تأمین منابع از سوی خیرین است. این روند طی سال های اخیر افزایشی بوده به گونه ای که در

لایحه سال ۱۴۰۲ حدود ۴۶۰۰ میلیارد تومان از اعتبارات عمرانی سازمان نوسازی، توسعه، و تجهیز مدارس (معادل ۶۲ درصد اعتبارات عمرانی این سازمان در جدول شماره ۷) به مشارکت خیرین وابسته شده است. این شیوه تأمین مالی طی سال های اخیر معضلات جدی در پی داشته است. برای مثال: سهم استان ها و شهرستان ها در طول سال و براساس میزان مشارکت خیرین اختصاص می یابد. شواهد نشان می دهد استان ها و شهرستان هایی (عموما برخوردارتر) که مشارکت خیرین در آنها بیشتر است، سهم بالاتری از این منابع را دریافت می کنند که خود بر شکاف امکانات بین مناطق می افزاید.

۲

اعتبارات نوسازی مدارس (بودجه عمرانی آموزش) در مقایسه با مصوب ۱۴۰۱ حدود ۱۳ درصد افزایش دارد که رشد بسیار کمی است؛ به ویژه اینکه باتوجه به تخصصی پایین اعتبارات عمرانی در سال جاری (طبق گزارش مرکز پژوهش های مجلس در ۶ ماهه اول سال تنها ۲۷ درصد بودجه عمرانی اختصاص یافته است)، این افزایش کفایت لازم حتی برای پوشش تورم در ساخت و ساز و عدم تخصیص سال جاری را ندارد. به عبارتی بسته به اینکه میزان تخصیص اعتبارات در سال ۱۴۰۱ چقدر باشد، به قیمت ثابت نه تنها افزایشی در بودجه عمرانی آموزش رخ نداده، بلکه کاهش هم داشته است.

۳

این وضعیت در ادغام یا تفکیک ردیف های اعتباری طی سال های مختلف امکان بررسی و تحلیل دقیق روندهای بودجه ای را بسیار دشوار می کند.

۵

بیشترین نرخ افزایش اعتبار ذیل وزارت آموزش و پرورش مربوط به سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی است که اعتبارات آن از حدود ۱۰۲ میلیارد تومان در سال ۱۴۰۱ به بیش از ۱۳۷۹ میلیارد تومان در سال ۱۴۰۲ رسیده است؛ بیش از ۱۳/۵ برابر. البته لازم به توضیح است که اعتبارات این سازمان در بودجه سال ۱۴۰۰ حدود ۳۶۶ میلیارد تومان بوده است (۱۱۶ میلیارد تومان از محل منابع عمومی و ۲۵۰ میلیارد تومان از محل یارانه). یکی از مشکلات آموزش و پرورش در سال های اخیر، تغییر مداوم کتاب های درسی است. اینگونه که از اطلاعات تکمیلی بودجه برمی آید بیش از ۹۳ درصد اعتبارات سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی به برنامه تأمین و روزآمد کردن محتوای کتب و بسته های آموزشی اختصاص دارد که البته بخشی از این اعتبارات مربوط به مطالبات سال های قبل است. به نظر می رسد بازنگری در مأموریت های سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی برای تمرکز بر مسائلی به جز تغییر محتوای کتب درسی ضروری است.

بودجه وزارت آموزش و پرورش در سال ۱۴۰۲ به طور قدرمطلق حدود ۴۲ هزار میلیارد تومان نسبت به اعتبارات مصوب سال ۱۴۰۱ افزایش یافته است. باتوجه به تغییرات در ردیف ها و اضافه شدن اعتبارات تبصره ۱۴ (بدون تفکیک روشن) نمی توان به درستی نشان داد که این افزایش در چه ردیف هایی اعمال شده است، اما در مقایسه با مصوب سال ۱۴۰۱، اعتبارات ادارات آموزش و پرورش استان ها حدود ۷۶ هزار میلیارد تومان افزایش یافته است که بخش عمده آن اعتبارات مربوط به رتبه بندی معلمان است که از جدول ۹ (ردیف های متفرقه) به جدول ۷ انتقال یافته است.

۴

به نظر می رسد در مقایسه با سال ۱۴۰۰، سه برنامه کمک به تأمین سرانه دانش آموزی (۱۱۲۹ میلیارد تومان)، حمایت و ارتقاء پوشش تحصیلی مناطق محروم (۱۶۵۶ میلیارد تومان)، و کیفیت بخشی به فعالیت های آموزشی و پرورشی و توسعه عدالت آموزشی (۲۳۰ میلیارد تومان) در سال ۱۴۰۲ در قالب برنامه کمک به تأمین سرانه دانش آموزی و حمایت و ارتقاء پوشش تحصیلی افراد لازم التعلیم (۴۹۶۱ میلیارد تومان) ادغام شده اند. یعنی مجموع این سه ردیف در سال ۱۴۰۰ حدود ۳۰۱۵ میلیارد تومان بوده است که در سال ۱۴۰۲ به ۴۹۶۱ میلیارد تومان رسیده است. احتمالاً آنچه از عملکرد سال ۱۴۰۰ در لایحه ۱۴۰۲ ثبت شده است (۸۴۱ میلیارد تومان) صرفاً اعتبارات برنامه کمک به سرانه دانش آموزی بوده و دو برنامه دیگر در عملکرد آن سال نیامده است.

۶

برنامه خرید خدمات آموزش و برون سپاری خدمات نیز به رغم نقدهای زیادی که به آن وارد است، همچنان در دستور کار وزارت آموزش و پرورش قرار دارد و اعتبارات آن نیز حدود ۲۰ درصد افزایش یافته و به بیش از ۱۳۸۳ میلیارد تومان رسیده است.

مدارس (عدم انتشار پیوست ۴ بودجه امکان هر نوع رصد در این زمینه را ناممکن کرده است.

تغییر طبقه بندی در لایحه

بودجه ۱۴۰۲

مطابق گزارش دبیرخانه مقابله با فقر و نابرابری آموزشی، بودجه وزارت آموزش و پرورش سال آینده در مقایسه با سال ۱۴۰۰ تغییرات گسترده ای داشته که می تواند، مشکلاتی را در نظام برنامه ریزی آموزش و پرورش به دنبال داشته باشد، در قانون بودجه سال ۱۴۰۰ وزارت آموزش و پرورش، ۳۲۹ فعالیت مشخص شده بود که دولت را موظف می کرد برای مجلس و دیوان محاسبات و عموم مردم میزان عملکرد آن را گزارش کند.

این ۳۲۹ فعالیت در بودجه سال ۱۴۰۲ به ۵۹ فعالیت کاهش یافته است. برای مثال در یک نمونه وزارت آموزش و پرورش تا پایان سال ۱۴۰۰ مکلف بود طرح های آموزشی ویژه ای را در مناطق محروم به اجرا درآورد. در این طرح که با عنوان دقیق «طرح جامع حمایت و ارتقای پوشش تحصیلی مناطق محروم» در لایحه بودجه گنجانده شده بود، دولت باید برحسب مقاطع تحصیلی مطابق با قانون، اعتبارات را برای «حمایت از ۴۱ هزار دانش آموز در مناطق عشایری»، «پرداخت هزینه ایاب و ذهاب برای ۲۹۷۴۱ دانش آموز در مناطق محروم»، «حمایت از ۷۱۰۶۷ دانش آموز در مدارس شبانه روزی» و «حمایت از ۶۳ هزار دانش آموز در مناطق محروم کشور» صرف می کرد.

۷

طبق ماده ۸۵ قانون برنامه ششم توسعه، دولت مکلف است معادل مبلغ واریزی معلمان عضو صندوق ذخیره فرهنگیان، سهم خود را به صندوق واریز کند. اما از ابتدای برنامه ششم تاکنون دولت کمتر از ۱۸ درصد تعهدات خود را واریز کرده است. در لایحه سال ۱۴۰۲ نیز دولت تنها ۶۰ میلیارد تومان برای واریز سهم خود به صندوق ذخیره فرهنگیان پیش بینی کرده است که این رقم تقریباً معادل ۵ درصد تعهدات دولت به صندوق است.

۸

طی سال های اخیر، هرسال سهم بالاتری از اعتبارات دانشگاه فرهنگیان به درآمدهای اختصاصی وابسته می شود. در لایحه بودجه ۱۴۰۲ نیز بیش از ۶۶ درصد اعتبارات پیش بینی شده برای این دانشگاه باید از محل درآمدهای اختصاصی تأمین شود.

۹

با توجه به اینکه در سیاست های ابلاغی دولت چندین برنامه به طور ویژه در مغایرت با عدالت آموزشی، بر خصوصی سازی گسترده آموزش تأکید دارند (نظیر مدارس کوپنی، گسترش بی رویه مدارس هیئت امنایی، واگذاری

موظف به پیوست عدالت هستند. باید توزیع بودجه خود را برحسب مناطق و گروه های درآمدی آنچنان توزیع کنند که به کاهش شکاف فقر از جمله فقر آموزشی بینجامد. طبقه بندی جدید بودجه کشور به طورکلی امکان ارزیابی عادلانه بودن بودجه را از بین برده است. براساس برنامه «توسعه عدالت آموزشی»، در هر استان مشخص است چند دانش آموز بازمانده از تحصیل باید به مدرسه بازگردانده شوند و دولت موظف است که در هریک از استان های کشور به تفکیک مقاطع تحصیلی مشخص نماید که چه تعداد دانش آموز را به مدرسه باز می گردانند. اما این برنامه به طورکلی در بودجه آموزش و پرورش حذف شده است.

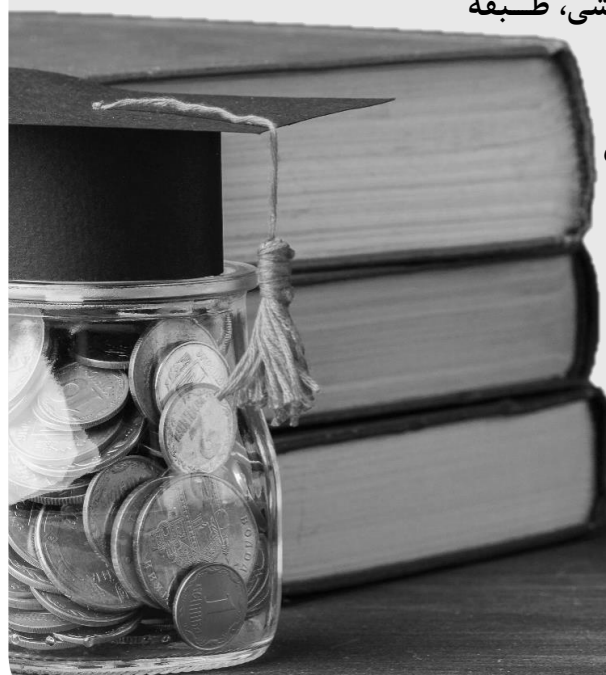
سازمان برنامه و دیوان محاسبات گزارش دهند.

در حالت جدید سرعت عمل دستگاهها بالا می رود و از همین رو دستگاه های اجرایی از این تغییر در طبقه بندی بودجه ای استقبال کرده اند. در سازمان برنامه و بودجه دو دیدگاه مختلف وجود دارد؛ دفتر کلان به دنبال ساده سازی و دفاتر بخشی به دنبال فهم جزئیات بیشتر هستند. به نظر می رسد در دولت جدید قدرت دفتر کلان و دستگاه های اجرایی بر دفاتر بخشی فائق آمده است. به هرحال این تغییر کلان در طبقه بندی بودجه خطای بزرگی است و باید از آن جلوگیری شود. از نظر دبیرخانه مقابله با فقر و نابرابری آموزشی، طبقه

از این رو نه تنها تعداد برنامه و فعالیت های وزارت آموزش و پرورش کاهش یافته، بلکه آنچه باقی مانده است هم با گذشته قابل مقایسه نیست. به طور مثال سال ۱۴۰۰ بودجه این سازمان در ۱۷ فعالیت آمده بود اما در سال آینده به سه فعالیت تقلیل یافته است. ادغام ردیف های بودجه این سازمان در دو سال هرگونه مقایسه عملکرد را ناممکن می کند.

سؤال مهم این است چرا این ردیف ها ادغام شده اند. چه مزیتی دارد و چه مشکلی در بودجه نویسی قبل وجود داشته است؟ هر چند تاکنون مسئولان هیچ توضیحی در این زمینه نداده اند اما دلیل احتمالی را می توان حدس زد. اعلام دقیق برنامه و فعالیت ها برای دستگاه های اجرایی مشکل ساز است. دستگاه های اجرایی موظف می شوند جزئیات فعالیت های خود را اعلام کنند و برحسب آن به دستگاه های نظارتی مانند

بندی جدید
امکان رصد
عدالت آموزشی
را از بین
برده است.
براساس اسناد
بالادستی
همه دستگاه
های اجرایی



کسورات هیچ منطقی ندارند؛

مصاحبه با دانشجویان

در طی یک مصاحبه دوستانه با دانشجویان سال آخر دانشگاه های فرهنگیان تهران؛ سعی کردیم درباره برخی مسائل و مشکلات دانشگاه صحبت کنیم و برای اصلاح و رشد دانشگاه فرهنگیان در ابعاد مختلف از آنان نظرخواهی کنیم.

در ابتدا از دانشجو معلمانی که تا پاییز امسال به عنوان معلم پا به مدرسه می گذارند درباره مهم ترین مزیت و امکانات دانشگاه فرهنگیان پرسیدیم که در جواب گفتند: ضمانت شغلی و داشتن ردیف استخدامی به همراه دادن کمک هزینه تحصیلی مهم ترین مزیت دانشگاه فرهنگیان است.

در عین حال سعی کردیم نظرشان را درباره معایب و نقص های دانشگاه بپرسیم و پاسخ دادند:

پذیرش دانشجو بیش از حد ظرفیت دانشگاه شروعی برای نداشتن امکانات است. همچنین عدم پاسخگویی برخی از کارکنان و اطلاع رسانی ضعیف مشکلاتی را به دنبال دارد.

دانشجویی از شرافت اضافه کرد: سلف دانشگاه شرافت از ابتدا تا الان مشکل تهویه داشت و بی نهایت اذیت کننده است.

نماز خانه بسیار کثیف است چون تنها یک جاروب — رقی داشتیم و رسیدگی به محل عبادت بچه ها به درستی نمی شود. برای خوابگاه در یک دوره ۶ ماهه جاروب — رقی نداشتیم و شرایط ب — د — ی را تحمل — کردیم.

یکی از دانشجویان باهنر پاسخ داد: خواهر من جزو

اولین ورودی های با هنر بود و در آن زمان عین مدرسه،

برای اعلام پایان کلاس ها زنگ داشتند و دانشجویان

برای خروج از دانشگاه در ساعت درسی باید اجازه

می گرفتند و در صورت غیبت به

پدر دانشجو زنگ می زدند.

خدا روشکر الان این مسئله

در با هنر نیست اما

شنیدم که برخی

پردیس ها

اینطور



رفتار می کنند و حتی در بهترین پردیس فرهنگیان احساس می کنی که انگار هنوز دانش آموز هستی و محیط و قوانین جووری است که بیشتر به نظر می رسد پا به دبیرستان فرهنگیان گذاشته ای تا دانشگاه فرهنگیان!

دانشجوی دیگری افزود: بی اعتباری مدرک فرهنگیان در برابر یک سری دانشگاه های داخلی نیز عیب بزرگی است عیب خیلی بزرگیست.

یکی از دانشجویان بیان کرد: سالن تربیت بدنی در اکثر دانشگاه های فرهنگیان به طور درست و اصولی نیست و در دانشگاه نسیمیه هم که قطب تربیت بدنی است؛ این امکانات به درستی بهره برداری نمی شود و عملا در برخی موارد فرقی با دانشگاهی که در آن سالن ورزشی موجود نیست، ندارد و با توجه به ظرفیت بالایی که دانشگاه های فرهنگیان، حتی در رختکن و سالن های ورزشی کلاس داریم و استفاده از وسایل ورزشی رویایی برای دانشجویان شده است. همچنین دانشجویان مطرح کردند که صندلی ها بسیار داغان و یا کم هستند که برای گرفتن آن هم باید یک سالن و تک تک اتاق ها را گشت تا صندلی اضافه گرفت و در جست و جوی یک مازیک بودن واقعا مسخره و دردناک است اما با این مسئله کوچک

هم باید درگیر باشیم و تخته هوشمند و امکانات الکترونیک به حدی ضعیف

و یا گاهی خراب است که استاد بی خیال استفاده از آن می شود. در دانشگاه های

دیگر وای فای رایگان موجود است اما در فرهنگیان حتی یک بوفه درست و حسابی هم نداریم! با وجود مسائل و مشکلات زیادی که گفته شد، سعی کردیم از دانشجو معلمان راه حلی برای رشد و بهبود شرایط بگیریم که در پاسخ گفتند:

اساتید برای رشد بسیار موثر هستند و در برخی دروس عملی و عمومی از اساتید خوبی بهره مند بودیم و با وجود علم و مدارک بالا، توانایی تدریس و ارتباط با دانشجویان را نداشتند. ضمنا به دروس عملی کم لطفی می شود و توجه بیشتری را نیاز دارند.

یکی از دانشجویان از مسئولین نقد کرد و پاسخ داد: بد نیست که مسئولین کمی دلسوزی کنند. با وجود در آمدی که دانشگاه فرهنگیان دارد؛ این شرایط و امکانات اصلا منطقی نیست و با وجود هزینه زیادی که دانشجویان می دهند هیچ امکانات رفاهی به طور درست و کامل داده نمی شود. وقتی که از این شرایط نقد می کنیم به ما پاسخ می دهند که دانشگاه های دیگر همینطور هستند و بدتر هم شاید باشند اما به نظر ما تغییر مثبت باید از داخل و خود ما شروع شود و فرهنگیان این بستر را با همت و پشتکار می تواند داشته باشد.

در ادامه از دانشجویان درباره منطق کسورات پرسیدیم که با نارضایتی پاسخ دادند:

کسورات هیچ منطقی ندارد. همانطور که می دانیم با کسورات همه دانشجو معلمان مشکل دارند و اینکه به درستی این پول گرفته نمی شود و صرف بهبود دانشگاه نمی شود دردناک است.



دانشجوی دیگری یادآور شد:

گرفتن کسورات در تابستان و زمان کرونا هرگز توجیه منطقی نداشت. اینکه دانشگاه غیر دولتی مطهری شهریه ای دریافت نمی کند اما فرهنگیان از دانشجو معلمانی که دانشگاه سراسری قبول شده اند، کسورات و هزینه ای که گاهی بیش از دانشگاه آزاد است می گیرد؛ غیرقابل درک است. در ضمن اگر بنا است از دانشجو معلمان کسورات گرفته شود چرا پس از دانشجو معلمان رجایی کسورات گرفته نمی شود. مگر خون آنان از ما رنگین تر است؟

دانشجومعلم دیگری افزود:

علاوه بر اینکه ماهانه بخشی از حقوق ما کم می شود و کسورات داریم در آخر دوران ۴ ساله دانشجویی هم باید برای فارغ التحصیلی چندین میلیون بپردازیم که اگر مشکل مالی داشته باشیم و نتوانیم آن مقدار را بپردازیم؛ فرم فارغ التحصیلی ما به منطقه ارسال نمی شود و نمی توان کاری کرد که این هم معضلی است.

سعی کردیم از دانشجو معلمان سال آخری برای سال پایینی ها راهنمایی بگیریم و به سال پایینی ها نصیحت هایی کردند و گفتند:

مهارت یاد بگیرند. کارگاه های خارج از دانشگاه شرکت کنند. با اساتید خوب دانشگاه ارتباطشان را حفظ کنند. روی درس های کاربردی معلمی و رشته مربوطه دانشگاه مانور بیشتری بدهند.

دانشجوی دیگری افزود: به درس های عملی توجه کنید و لطفا دل بسوزانید چون قرار است معلم و آینده ساز شوید. هرکسی متفاوت است و اگر دست به دست هم بدهیم و پشت هم باشیم می توانیم به تغییرات مثبت و حل

مشکلات نظام آموزشی اقدام کنیم پس درس بخوانید و فعال باشید و از این ۴ سال نهایت استفاده را کنید. یادتان باشد که نا امید نباشید و از لحظه لحظه این ۴ سال لذت ببرید.

در انتها از دانشجویان سعی کردیم یک سوال چالشی بپرسیم؛

اگر زمان به گذشته برگردد باز هم دانشگاه فرهنگیان را انتخاب می کنید؟ چرا؟

یکی از دانشجویان پاسخ داد: بله، چون با لیسانس رشته ای که در آن تحصیل کردم توانستم خیلی زود وارد بازار کار شوم و با دوستان و اساتید دغدغه مند و خوبی آشنا شدم. در حقیقت شخصیتم جوری نیست که در هر محیط کاری کار کنم و در به در دنبال کار باشم.

دانشجوی دیگری افزود: در طی این ۴ سال؛ اتفاقات زیادی برای دلسرد کردن ما افتاد اما فقط ۴ سال است و بر خلاف دانشجویان دانشگاه های دیگر ما برنامه و مسیر مشخصی داریم. ما همگی می توانیم آینده نظام آموزشی را درخشان تر کنیم و قطعاً با فکر رشد و تحول آموزشی؛ این رشته را دوباره هم انتخاب می کنم.

● زهرا شریف دینی

سرمایه گذاری دولت ها بر آموزش!

**سرمایه گذاری در آموزش به
رشد اقتصادی منجر می شود**

سرویس اقتصادی به تحلیل سیاست دولت ها جهت سرمایه گذاری های کلان در آموزش و پرورش می پردازد.

نتیجه سرمایه گذاری آموزش و پرورش بیشتر باشد، موجودی سرمایه انسانی بالاتر و رشد اقتصادی بالاتر خواهد بود. با افزایش نیروی کار شاغل، تولید ملی افزایش و در نتیجه رشد اقتصادی اتفاق می افتد. یکی از محورهای اصلی رشد و توسعه اقتصادی، آموزش و پرورش است. امروزه اثرات اقتصادی آموزش اهمیت بسیاری یافته است زیرا مسلم است که ارتباط بسیار نزدیکی بین تحصیلات و درآمد افراد وجود دارد. به این معنی که افراد تحصیل کرده، در شرایط مساوی از درآمد بالاتری بهره مند می شوند. آموزش بیشتر، مهارت های بالاتری را در افراد به وجود می آورد، که این مهارت ها موجب تولید کالاها و خدمات بیشتری می شود. این فرآیند از سویی ارتقاء درآمد تولیدکننده و رفاه کننده و از دیگر سو، تولید ناخالص داخلی بیشتر و تسریع رشد اقتصادی را در پی دارد.

سرمایه گذاری تصویر مشخص دخل و خرج حاکمیت بر اساس اهداف و اولوی ت ها می باشد و ب یانگر تمایلات و سیاست های کلی حکومت ها است. سرمایه گذاری در آموزش و پرورش یک عامل کلیدی در فرآیند رشد و توسعه اقتصادی است. سرمایه گذاری آموزشی از یک سو قابل ی ت های نی روی انسانی را ارتقاء می بخشد و از سوی دیگر، نیروی کار را برای استفاده بهتر از فناوری جدید تولید مهیا می سازد و به این ترتیب راه رشد و توسعه اقتصادی را برای کشورها هموار می کند. سرمایه گذاری برای آموزش و پرورش در مقاطع دبستان و دبیرستان سرمایه انسانی را افزایش می دهد. بالاتر بودن سرمایه انسانی به معنای توانایی بیشتری نیروی کار و امکان به کارگیری فناوری های جدید و به طور خالصه بهره وری بالاتر نیروی کار است. بنابراین، هر اندازه مخارج آموزش و در



با سیر نزولی سهم آموزش از بودجه عمومی دولت و همچنین کاهش سهم آموزش از کل بودجه های سالانه که به دنبال آن، سهم آموزش از تولید ناخالص ملی که در آغاز برنامه توسعه ششم حدود ۳ درصد بوده و قرار بوده است که به میانگین جهانی حدود پنج درصد برسد اما با توجه به لایحه بودجه، سهم آموزش از تولید ناخالص ملی به کمتر از ۲ درصد کاهش خواهد یافت که در سال های اخیر بی سابقه است. پایین بودن هزینه های آموزشی و نادیده گرفتن تأثیر آموزش و تربیت نیروی انسانی ماهر، از مهم ترین عوامل پایین بودن سطح رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه است. بنابراین شایسته است که با توجه به جمعیت روز افزون جوان در کشور های در حال توسعه از یک سو و نیاز مبرم این کشورها به رشد و افزایش تولید از سوی دیگر، توجه جدی به ارتقاء سطح و کیفیت آموزش صورت گیرد

● محمدحسین رضایی

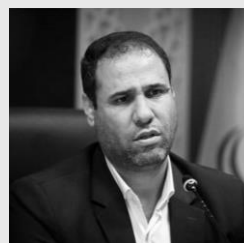


ضعف همیشگی مدیریت بودجه!

پس کی اقدام درست انجام خواهد شد؟

سرویس اقتصادی به تحلیل نقص های مدیریت بودجه و حقوق حداقلی معلمان می پردازد.

صحرائی: حقوق من استاد از برادرم که شغل آزاد دارند و سوادشان زیردیپلم است کمتر است. آموزش و پرورش از درون باید تقویت شود.



اکنون که وزیر آموزش و پرورش جناب آقای صحرائی هستند، بهتر و با درک بیشتری متوجه کمبود و ضعف همیشگی مدیریتی میشوند. مسائلی مانند نافرجام ماندن رتبه بندی عدم پیگیری دقیق کسریات دانشجو معلمان نحوه صرف هزینه های خانه معلم و مراکز فرهنگی و... سوال این است با توجه به درک عمیق این موضوعات پس کی اقدام درستی انجام خواهد شد؟ رضامراد صحرائی گفت: به عنوان یک تحصیل کرده کسی که خیلی از مدارج و رتبه های دانشگاهی را طی کرده و در بیش از ۲۰ کشور تدریس کرده است؛ باید بگویم مجلس ما بسیار عمیق است این باعث افتخار برای من بود که آموزش و پرورش مسئله ذهن همه نمایندگان است، ان شاء الله نمایندگان این مسئله را اجرایی هم کنند. بررسی های نمایندگان به جای خود اما باید مسائل از زیر بنا بررسی شوند. نخبگان بسیاری هستند که می توانند با طرح و اجرای ایده های جدید و خلاقانه خود ضعف های مدیریتی را تا حد بسیاری کاهش دهند. از جمله عواملی که می تواند موجب اشتغال زایی و عدم مهاجرت نخبگان شود به کار گیری آنها در اصلاح اقدامات مدیریتی است. طبق سخنان مکرر مقام معظم رهبری باید از نخبگان در قسمت های مدیریتی استفاده شود زیرا جوان، پرشور و سرشار از ایده های نو هستند.

در کنار تمامی مواردی که ذکر شد بررسی سند تحول بنیادین و به کارگیری آن می‌تواند تا حد زیادی کمک کننده باشد. اجرای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش با کارهای نمایشی و تبلیغاتی شدنی نیست، تحول نیازمند وزیری است که در نگاه اول برنامه ای نوآورانه و هوشمندانه ای برای اجرایی شدن سند تحول ارائه می کند و در نگاه دوم دارای توانایی رهبری و مدیریت عالی برای به اجرا درآوردن این برنامه باشد. همچنین در نگاه سوم، در مواقع حساس که منافع مدافعان وضع موجود در خطر می افتد، برای گرفتن تصمیمات دشوار و تحولی شجاعت به خرج دهد. آموزش و پرورش مهم ترین رکن پیشرفت کشور است که با تغییر مکرر وزرا و تصدی گری چندباره سرپرست های مختلف در رأس آن با بی ثباتی مدیریتی مواجه است. این حجم از بی ثباتی به هیچ وجه عادی نیست. با این بی ثباتی و تغییرات مکرر نه تنها اجرای سند تحول بنیادین ممکن نیست، بلکه به سرانجام رساندن امور جاری وزارتخانه نیز نشدنی می باشد. انتظار می رود در مرحله اول قبل از انتقاد از عملکرد معلمان در فضای مجازی و یا کم جلوه دادن تلاش های بی مانند آنها اقداماتی شایسته برای کمتر کردن شکاف بین سخنان و عملکرد صورت گیرد. شاید کم بودن درآمد معلمان و یا نو و هماهنگی با نیاز های جامعه نبودن محتویات دانشگاهی باعث شده است که معلمان در فضای مجازی عملکرد های خلاقانه خود را به نمایش بگذارند و به درآمد برسند.

● فاطمه باقری

حرف دانشجو

بحث دغدغه شد

بحث جهاد تبیین شد

ابتدا باید بدانیم که شان و ارزش معلم بسیار بالاست همچنین به اندازه ای که جایگاه اجتماعی معلم بالاست وظیفه سنگینی روی دوش استاد دانشگاه فرهنگیان نیز است چرا که وظیفه تربیت این معلمان نسل ساز رو دارد می دانیم که معلم در مقطع ابتدایی برای دانش آموز پیامبر است! این را گفتم که اهمیت کار را درک کرده باشیدخب اگر قرار باشد جهاد تبیینی صورت بگیرد قرار باشد دغدغه ای باشد بهتره که در محل پرورش و تربیت معلمان مملکت باشد!! قبلا نام دانشگاه "تربیت معلم" معلم بود و بعدا تبدیل شد به نام الان. خب آیا دانشگاه فرهنگیان جوری که در شان و منزلت انقلاب اسلامی و تربیت اسلامی ایرانی که مدنظر خدای اعلم مدنظر حضرت آقا ولی امر مملکت مدنظر اسلام مدنظر اهل بیت بزرگترین معلمان تاریخ مدنظر والدین است؟ باید سعی کنیم نزدیک تر بشیم در دانشگاه فرهنگیان یکی از مسائلی که بولد است امکانات آن است حقیر عضو شورای صنفی پردیسمون هستم بعضا از پردیس های دیگه که ارتباط داریم میبینیم کلاسی هست کولر ندارد و با پیگیری شوری صنفی کولر میگذارند منو غذایی جالبی تعبیه نمیشه کیفیت غذا با پیگیری ها و فشار فراوان تغییر میکنه متاسفانه ما در زمینه سیاست گذاری در دانشگاه فرهنگیان کم لطفی های زیادی مشاهده می کنیم قوانین عجیب و غریب در زمینه سلف دانشگاه می بینیم قانونی هست مبنی بر اینکه وقتی قرار است تیم آشپز برای سلف انتخاب شود اون تیمی که تیم ها اعلام حضور می کنند تیمی که کمترین قیمت قرارداد رو اعلام کنه اون برندهست و وارد دانشگاه میشه!!!

خب می دانید که معلم باید با سواد وارد مدارس شود در زمینه آموزش بخوام بگم از اساتیدش میگم استاد تمام دانشگاه تهران اگر وارد فرهنگیان بشود درجه استادیش به پایین ترین درجه تنزل پیدا میکنه حقوقش پایین تره انتظارات ما بالا نیست اما درحد یک دانشگاه دولتی است! انتظار داریم امکانات رفاهی متعادل باشد که نیست در ادامه بحث آموزش که مربوط ترین بحث به جهاد تبیین است دوستانی که ویس گرفتند در گروه از جهاد تبیین گفتند بیان عرض کنند اصلا جهاد تبیین یعنی چه؟ جهاد چیه؟ من ویدیو هایی در گروه اصلی می فرستم حتما ببینید دانشگاه فرهنگیان تربیت نمی کند؟ این بزرگترین دشمن جهاده!! دانشگاه فرهنگیان جاذبه برای کشش به سمت نماز و اهداف خدایی ایجاد نمیکند دانشگاه فرهنگیان فقط اسم های قشنگی دارد نسیمه عترت شرافت زینبیه چمران!! چمران سازی نمی کند!! آیا شهید مصطفی چمران رو می شناسید؟ حسن باقری جوان نخبه ای که یک تنه یک معاونت توی جنگ تولید کرد را می شناسید؟ گفتم زینبیه دانشگاه فرهنگیان چند خانم که الگوشان حضرت زینب (س) باشد پرورش می دهد؟ این حجم از قشر خاکستری در دانشگاه چه معنی می دهد؟ چرا واحد ها تند تند پاس میشن اما معلم تربیت نمی شه؟ اینجا محل پاس شدن درسه؟ یا پرورش معلم؟

● یک دانشجو معلم دغدغه مند

نگاهی نو در جذب تربیت معلم

نحوه جذب دانشجومعلمان آینده خواهد بود که این امر سبب افزایش زمان گزینش و تحقیقات لازم برای پذیرش دانشجومعلمان مستعد و لایق خواهد شد و این مسئله چالش جذب تقریباً فرمالیته دانشگاه فرهنگیان را حل خواهد کرد. از جمله فواید این کنکور به کارگیری و استفاده از منابع اختصاصی برای داوطلبانی که خواهان معلم شدن هستند، خواهد بود و این باعث می‌شود تا افرادی که می‌خواهند در دانشگاه فرهنگیان تحصیل کنند دارای حداقل اطلاعات درباره نظام مسائل آپ باشند. یکی دیگر از مزایای این طرح مجزا و خاص کردن دانشگاه فرهنگیان از سایر دانشگاه‌ها خواهد بود که اهمیت آن را بیش از پیش نشان می‌دهد و ماموریت‌محور بودن این دانشگاه را نمایان‌تر خواهد کرد.

از آنجا که خبر برگزاری کنکور اختصاصی تربیت معلم برای اولین بار در بهمن‌ماه امسال به گوش می‌رسد و افزایش سن ورود به آپ با رای دیوان عدالت اداری به چهل سال رسیده است می‌توان این تغییر و تحولات را از این منظر دید که این افزایش سن خود چالشی بزرگ برای آموزش و پرورش خواهد بود، چرا که در این صورت افرادی که دوران جوانی خود را گذرانده‌اند و دیگر آن شور و شوق جوانی را ندارند ممکن است وارد مدارس و کلاس‌های درس شوند، درحالی که این افراد کارایی لازم و کافی را برای آپ و مدارس نخواهند داشت. ایجاد کنکور اختصاصی دانشگاه فرهنگیان از جمله تغییرات کلان در



● علی محمدپور

@FARHANGRAH_CFU



فرهنگراه
نشریه تخصصی
دانشگاه فرهنگیان
استان تهران

کانال تلگرام

ارتباط با
نشریه
فرهنگراه

@FARHANGRAH_AD

ادمین تلگرام